

The Election of Non-Native Representatives for Sistan in the National Assembly and the Public Response (1906–1979)

Mohamad reza Pordeli¹ | Morteza Nouraei² | Morteza Dehghan nejad³

Abstract

Purpose: In this research, the process of election of non-native representatives for Sistan to the National Assembly, the effect of their absence in the region on their performance in the parliament, and the responses of the local people to their representation have been analyzed.

Method and Research Design: Employing a descriptive-analytical approach based on primary documents and archival sources, this research explores the reasons behind the repeated selection of non-native delegates for Sistan, analyzes how this non-locality influenced their legislative activity, and investigates how the Sistanis responded.

Findings and Conclusion: Without a local political elite during the late Qajar era, the Alam family—political leaders based in the capital—appointed central political figures to represent Sistan. Although the majority of these representatives held important positions in national politics, their lack of familiarity with local issues and lack of accountability to the people of Sistan rendered them inactive in parliament. There were several sessions that passed without presenting comments or propositions. This trend eventually gave rise to public discontent and gave rise to political movements in Sistan, which were initiated by local Khans, promoting indigenous candidates to better represent regional interests. While such efforts introduced some form of political competition, this also introduced tensions and occasional clashes between the opposing parties within some election periods.

Keywords: Sistan; elections; National Assembly; representative; Alam family.

Citation: Pordeli, M. R. , Nouraei, M. and Dehghan nejad, M. (2024). The Election of Non-Native Representatives for Sistan in the National Assembly and the Public Response (1906–1979). *Ganjine-ye Asnad*, 34(4), 30-67. doi: 10.30484/ganj.2024.3199

**GANJINE-YE
ASNAD**
Historical Research &
Archival Studies Quarterly

Research paper

1. PhD Student in Iranian History, Islamic Period, University of Isfahan, Isfahan, Iran

alipordeli1363@gmail.com

2. Professor, Department of History and Iranology, Faculty of Literature, University of Isfahan, Isfahan, Iran (Corresponding author)

mortezanouraei@yahoo.com

3. Professor, Department of History and Iranology, Faculty of Literature, University of Isfahan Isfahan, Iran

mdehqannejad@yahoo.com

Copyright © 2024, NLAI (National Library & Archives of I. R. Iran). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and adapt the material for any purpose.

Ganjine-Ye Asnad

«136»

Peer-reviewed Journal | National Library & Archives of I. R. Iran, Archival Research Institute

ISSN: 1023-3652 | E-ISSN: 2538-2268

Digital Object Identifier(DOI): 10.30484/ganj.2024.3199

Indexed by Google Scholar, Researchgate, ISC, SID & Iran Journal | <http://ganjineh.nlai.ir>

Vol: 34, No: 4, Winter 2025 | pp: 30 -67 (38) | Received: 18, Oct. 2024 | Accepted: 15, Dec. 2024

Historical research





فصلنامه تحقیقات تاریخی
و مطالعات آرشئولوژی

مقاله پژوهشی

تحلیل فرایند انتخاب نمایندگان غیربومی برای سیستان و عملکرد این نمایندگان در مجلس شورای ملی و واکنش مردم (۱۲۸۵ ش-۱۳۵۷ ش / ۱۹۰۶ م-۱۹۷۸ م)

محمد رضا پردلی^۱ | مرتضی نورائی^۲ | مرتضی دهقان نژاد^۳

چکیده:

هدف: تحلیل روند انتخاب نمایندگان غیربومی برای سیستان برای مجلس شورای ملی؛ تأثیر غیربومی بودن نمایندگان و غیبتشان در منطقه بر عملکرد آنها در مجلس؛ واکنش مردم سیستان به عملکرد این نمایندگان.
روش: پژوهش حاضر براساس روش توصیفی-تحلیلی برپایه اسناد و منابع دسته اول به دنبال علل غیربومی بودن نمایندگان سیستان در مجلس شورای ملی و تأثیر این ویژگی بر عملکرد آنان، و واکنش مردم به آن است.

یافته‌های پژوهش: باتوجه به نبود نخبگان سیاسی در سیستان در اواخر دوره قاجار، خاندان علم از سیاسیون مرکز نشین برای نمایندگی سیستان استفاده می‌کردند. اغلب این افراد باینکه از چهره‌های مطرح و تأثیرگذار در سیاست‌های کلان کشور بودند، ولی به دلیل نداشتن شناخت از مشکلات منطقه و هم‌چنین نداشتن تعهد به مردم سیستان، اقدامی در جهت بهبود شرایط مردم انجام نمی‌دادند و اکثر جلسات مجلس را بدون اظهار نظر و ارائه پیشنهاد، با سکوت به پایان می‌رساندند. ادامه این روند باعث اعتراضات مردمی و شکل‌گیری گرایش‌های سیاسی بین مردم سیستان، تحت رهبری برخی از خوانین منطقه شد که از طریق انتخاب نماینده بومی به دنبال احقاق حق مردم سیستان بودند؛ اما این جریان ضمن ایجاد فضایی رقابتی در برخی از انتخابات‌های این منطقه به تنش و درگیری بین دو گروه منجر شد.

کلیدواژه‌ها: سیستان؛ انتخابات؛ مجلس؛ نماینده؛ خاندان علم.

استناد: پردلی، محمد رضا، نورائی، مرتضی و دهقان نژاد، مرتضی. (۱۴۰۳). تحلیل فرایند انتخاب و عملکرد نمایندگان غیربومی سیستان در مجلس ملی و واکنش مردم (۱۲۸۵-۱۳۵۷ ش، ۱۹۰۶-۱۹۷۹ م). *گنجینه اسناد*.

doi: ۱۰.۳۰۴۸۴/ganj.۲۰۲۴.۳۱۹۹ | ۶۷-۳۰. (۴) ۳۴

۱. دانشجوی دکتری تاریخ ایران دوره اسلامی
دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

alipordeli1363@gmail.com

۲. استاد گروه تاریخ و ایران شناسی،
دانشکده ادبیات، دانشگاه اصفهان، اصفهان،
ایران (نویسنده مسئول)

mortezanouraei@yahoo.com

۳. استاد گروه تاریخ و ایران شناسی، دانشکده
ادبیات، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

mdehqannejad@yahoo.com



گنجینه اسناد

۱۳۶

فصلنامه علمی | سازمان اسناد و کتابخانه ملی ج.ا.ایران - پژوهشکده اسناد

شاپا (چاپی): ۱۰۲۳-۲۶۵۲ | شاپا (الکترونیکی): ۲۵۲۸-۲۲۶۸

شناسانه برنمود رقمی (DOI): ۱۰.۳۰۴۸۴/ganj.۲۰۲۴.۳۱۹۹

نمایه در Google Scholar, Researchgate, SID, ISC و ایران ژورنال | <http://ganjineh.nlai.ir>

سال ۳۴، دفتر ۴، زمستان ۱۴۰۳ | صص: ۳۰-۶۷ (۳۸)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۷/۲۷ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۹/۲۵

تحقیقات تاریخی

۱. مقدمه

با آغاز انقلاب مشروطه و به دلیل نبود نخبگان سیاسی در نقاط دورافتاده کشور، برخی از سیاسیون مرکز نشین از طریق رایزنی با حکام و خوانین محلی به عنوان نماینده این مناطق وارد مجلس شدند. مردم امیدوار بودند تا ایجاد پارلمان و انتخاب آزادانه نماینده، زمینه کاهش قدرت حکام محلی را فراهم آورد؛ ولی این نمایندگان انتصابی باعث شدند که حکام و خوانین محلی ضمن حفظ قدرت خود در منطقه، در مجلس نیز صاحب نفوذ شوند. این روند بعد از انحلال حکومت های محلی، در بسیاری از مناطق کم رنگ شد و بعد از مدتی سیاسیون محلی برای وکالت در مجلس برگزیده شدند؛ اما در سیستان به دلیل ادامه نفوذ و قدرت خاندان علم این وضعیت تغییری نکرد و هم چنان نمایندگان انتصابی یکی پس از دیگری بر مردم تحمیل شدند^۱ که برخی از آنان حتی یک بار هم سیستان را ندیدند و طبعاً برای بهبود شرایط این منطقه تلاشی هم نکردند؛ بنابراین مردم سیستان برای دستیابی به خواسته های سیاسی خود وارد مبارزه ای طولانی و نابرابر با خاندان علم شدند؛ اما این حاکمان علم بودند که با استفاده از جایگاه سیاسی خود و حذف سران مخالف در سیستان، قدرت و نفوذ خود را تا آخرین دوره مجلس حفظ کردند.

پیشینه پژوهش

در زمینه پژوهش حاضر تاکنون تحقیق مستقلی انجام نشده است و موضوع مجلس پژوهی اکثراً به صورت عمومی در تحقیقاتی مانند کتاب *نخبگان سیاسی ایران از انقلاب مشروطه تا انقلاب اسلامی* اثر زهرا شجیعی آمده است که با شرحی از اسامی نمایندگان به کارکرد کلی ادوار مجلس پرداخته است. در برخی از تحقیقات تاریخ محلی سیستان، مانند کتاب *تحولات سیاسی و اجتماعی سیستان و بلوچستان (۱۳۲۰-۱۳۳۲ شمسی)* اثر مریم ابراهیمی و کتاب *سیستان و رویداد نوزده بهمن هزار و سیصد و سی خورشیدی* اثر جواد محمدی خمک هم هر چند به برخی از وقایع سیاسی در سیستان اشاره شده است، ولی هدف آن ها بیشتر تحلیل حادثه ۱۹ بهمن بوده که در روند انتخابات دوره هفدهم سیستان اتفاق افتاده است و به سایر ادوار انتخابات در سیستان توجهی نشده است.

پرسش اصلی مقاله حاضر این است که:

دلایل بومی نبودن نمایندگان سیستان چه بوده و کارکرد آنان در ادوار مجلس چگونه بوده است؟

این پژوهش بر آن است تا با این پرسش مطرح شده و براساس اسناد بایگانی مجلس (کمام) وقایع و نتایج مرتبط با انتخابات ادوار مجلس ملی در این منطقه را تحلیل کند.

۱. جدول اسامی و مشخصات نمایندگان سیستان در ادوار مجلس. نک: پیوست شماره ۱



۲. وضعیت سیستان مقارن با مشروطه

سرزمین باستانی سیستان که از گذشته‌های دور به انبار غله ایران شهرت داشت بعد از ورود ترکان و خصوصاً حمله تیمور به شدت رو به ویرانی نهاد. این روند در دوره معاصر و با ایجاد مرزبندی‌های جدید در شرق کشور به دست انگلستان - که به دنبال حفظ هند بود - بیشتر هویدا شد. این مرزبندی‌های جدید باعث شد افغانستان بر شاخه اصلی هیرمند مسلط شود و در نتیجه با کنترل آب ورودی به سیستان سبب کم‌آبی‌های شدید و بی‌آبی شود و مشکلات زیادی را برای حوزه کشاورزی این منطقه ایجاد کند (ابراهیم‌زاده، ۱۳۸۹، ص ۳۶۰). از طرفی کشمکش بین خاندان‌های قدرتمند کیانی و سرابندی در سیستان، اوضاع سیاسی این منطقه را به هم ریخته بود (نائبیان و دیگران، ۱۳۸۸، صص ۲۲-۲۳)؛ تاجایی که ناصرالدین شاه مجبور شد دخالت کند و برای اولین بار در سال ۱۲۴۶ ش/۱۸۶۷م خاندان حکوم‌نگر علم در قائلت را به عنوان حاکمانی غیر بومی بر سر نوشت سیستان مسلط کند (ابراهیمی، ۱۳۹۴، ص ۱۲).

اما این تغییرات سیاسی باعث بهبود شرایط در سیستان نشد و حاکمان جدید که با بحران مشروعیت مواجه بودند، نتوانستند بر مشکلات سیستان فائق آیند. آنان برای حل مشروعیت خود به سمت ازدواج‌های سیاسی با خوانین منطقه کشیده شدند (ابراهیمی، ۱۳۹۴، ص ۱۲). ولی ادامه خشک‌سالی و فقر شدید باعث مهاجرت بسیاری از اهالی شد و نارضایتی و تنفر از خاندان علم را افزایش داد و امید مردم برای بهبود شرایط را بسیار کم کرد (رئیس طوسی، ۱۳۸۵، صص ۱۳۶ و ۲۹۴).

در چنین شرایطی انقلاب مشروطه در کشور رخ داد که البته در سیستان به دلیل دوری از مرکز و وجود مشکلات معیشتی و از همه مهم‌تر نبود طبقه روشن فکر چندان احساس نشد؛ ولی با توجه به اهداف سیاسی این انقلاب در زمینه حذف تدریجی خوانین ایالات و کاستن از قدرت حاکمان محلی (اتحادیه، ۱۳۷۵، ص ۳۲) زنگ خطر برای حاکمان علم به صدا درآمد. در این مقطع شوکت‌الملک علم حاکم وقت قائلت و سیستان، که ضمن بهره‌هوشی، ارتباطات گسترده و روابط حسنه‌ای با دولت بریتانیا داشت و به این واسطه از پشت پرده بسیاری از مسائل سیاسی مطلع بود، با وزش باد هم‌سو شد و به صف مشروطه‌خواهان پیوست و در قدم بعدی به سوی رضاخان متمایل شد (سیاسر، ۱۳۹۲، صص ۴۳-۴۲). او با اعمال این سیاست در یکی از حساس‌ترین برهه‌های تاریخ ایران، ضمن حفظ قدرت و نفوذ خاندان علم در شرق کشور، به تأثیر گذارترین مهره سیاسی برای انتخابات این منطقه بدل شد.



۳. نمایندگان سیستان در دوره اول مشروطه

دوره اول مشروطه از صدور فرمان مشروطیت توسط مظفرالدین شاه در مهر ۱۲۸۵ ش ۱۹۰۶م، تا آذر ۱۳۰۴ ش، پنج دوره اول مجلس را شامل می‌شود (شجیعی، ۱۳۸۳، ج ۴، ص ۱۹۳). سیستان مانند بسیاری از نقاط دورافتاده کشور در اولین دوره مجلس (۱۲۸۵ ش - ۱۲۸۷ ش / ۱۹۰۶م - ۱۹۰۸م) نماینده‌ای نداشت و از دوره دوم به همراه قائنان صاحب کرسی مشترک در مجلس شد؛ اما به دلیل ناآگاهی مردم از کارکرد مجلس و هم‌چنین نبود سیاسیون آگاه و تحصیل کرده در منطقه، شوکت‌الملک به سمت انتخاب سیاست‌مداران مرکز نشین و ناآشنا با منطقه کشیده شد که از حضور آن‌ها در مجلس نتیجه مثبتی برای سیستان به دست نیامد. منصورخان معدل‌الدوله اولین نماینده‌ای بود که شوکت‌الملک برای شرق ایران در نظر گرفت. او که اصالتی کاشانی داشت در حالی به‌عنوان نماینده سیستان معرفی شد که هرگز سیستان را ندیده بود و با رأی‌گیری فرمایشی در حالی با ۴۷۹ رأی به‌عنوان نماینده سیستان انتخاب شد (ساکماق، ۱/۷۷۷)، (پیوست ۲) که در همان زمان جمعیت یک بخش سیستان چندین برابر این تعداد بود.

البته این انتخاب در قائنان که اوضاع فرهنگی بهتری داشت و مردم اطلاعات بیشتری از مشروطه داشتند به چالش کشیده شد و آنان با ارسال چندین شکوائیه، اعتراض خود را به انتخاب معدل‌الدوله - که نماینده «پنج یا شش نفر» بود و جمعیت «چهار صد هزار نفری» بیرجند از انتخاب او اطلاعی نداشتند - ابراز کردند (کمام، ۱۷/۳۳-۱۸-۱-۳۷-۱۶۸-۲).

این شکایات که مشکلات چندین ماهه‌ای را برای تأیید اعتبارنامه معدل‌الدوله به وجود آورد، چندان بیجا و کذب نبود؛ زیرا او فقط به دنبال منافع خود و همان چند نفر حامی‌اش بود و در مجلس از حقوق موکلان و منطقه خود دفاع نکرد. او در اکثر جلسات مجلس بجز یک بار - که آن‌هم در مبحثی غیر از سیستان بود - با سکوت جلسات مجلس را به پایان می‌رساند (مشروح مذاکرات دوره ۲، نشست ۲۸۹-۶۷۷/۱۲۹۰)؛ و در نهایت قبل از انحلال مجلس، با استفاده از نفوذ نمایندگی و رایزنی با اداره مالیه، از وکالت مردم سیستان و قائنان کناره‌گیری کرد و به سمت ریاست مالیه آذربایجان منصوب شد (آل‌رضا امیری، ۱۳۹۶، ص ۱۶۳).

انتخابات دوره سوم مجلس (۱۲۹۳ ش - ۱۲۹۴ ش / ۱۹۱۴م - ۱۹۱۵م) بعد از سه سال فترت در سال ۱۲۹۳ ش انجام شد. انتخابات در سیستان مثل دوره قبل در تسلط کامل شوکت‌الملک بود که این بار هم با سیاست‌مداری مرکز نشین به نام سعیدخان کاشی - که او نیز هیچ وقت سیستان را ندیده بود و با مشکلات آن آشنایی نداشت - به‌عنوان نماینده سیستان و قائنان به توافق رسید. ولی میزان آرای پایین او در سیستان (۴۷۵ رأی) (نظری، ۱۳۸۸، ص ۶۷۹) در برابر جمعیت زیاد این منطقه، نشانه بی‌اهمیتی و فرمایشی بودن این انتخابات در سیستان بود.

۱. اسناد مجلس براساس شماره‌بازایی سند که در سایت کتابخانه مجلس وجود دارد ارجاع داده می‌شود.



کاشی که در حوزه مالی تخصص داشت به عضویت کمیسیون بودجه مجلس برگزیده شد (کمام، ۱۳۹۱-۲۶-۳-۱۰۸۱) و در چندین جلسه مجلس در حوزه قوانین مالی سخن راند؛ ولی در این نطق‌ها از مشکلات موکلان خود در سیستان و قاننات یاد نکرد؛ بلکه شاید در مواردی با وضع قوانین مالیاتی جدید زمینه فشار اقتصادی بیشتری بر آنان را هم فراهم آورد (مشروح مذاکرات دوره ۳، نشست ۶۰-۱۸/۵/۱۲۹۴).

انتخابات دوره چهارم مجلس (۱۳۰۰ش-۱۳۰۲ش / ۱۹۲۱م-۱۹۲۳م) بعد از پنج سال فترت و با این تفاوت برای سیستان برگزار شد که حوزه نمایندگی سیستان از قاننات جدا شد تا آن‌ها نماینده‌ای مستقل برای مجلس انتخاب کنند. این موضوع اگر به انتخاب نماینده سیستانی آگاهی می‌انجامید می‌توانست نقطه عطفی در تاریخ سیستان شود و به بهبود وضعیت منطقه کمک کند؛ البته باید اذعان کرد که سیستان به دلیل ضعف‌های فرهنگی و سیاسی، هنوز فاقد چنین سرمایه اجتماعی-سیاسی‌ای بود.

در این دوره شوکت‌الملک که برای انتخاب‌های قبلی خود، خصوصاً از سوی مردم قاننات هدف انتقاد قرار گرفته بود هوشمندانه‌تر عمل کرد و برای نمایندگی سیستان سیدمهدی فرخ (معتصم‌السلطنه) را انتخاب کرد که علاوه بر تجربه و کالت در مجلس سوم، مدتی هم به‌عنوان سرحددار در سیستان خدمت کرده بود و با مردم آشنایی داشت (فرخ، ۱۳۴۷، صص ۱۲-۱۴). اما با تغییر دولت و آغاز نخست‌وزیری قوام‌السلطنه، فرخ که از دوستان و همراهان کلنل پسپان بود تحت پیگرد قرار گرفت و اعتبارنامه‌اش به اتفاق آراء در مجلس رد شد و سپس دستور تجدید انتخابات در سیستان صادر شد (کمام، ۴۵ و ۲۴/۵-۱-۳-۸-۴-۱۰۲۱).

شوکت‌الملک که بعد از این ماجرا، به دلیل نزدیکی انتخابات میان‌دوره‌ای، برای رایزنی با فردی جدید فرصت کافی نداشت، تصمیم گرفت از محمدولی خان اسدی (مصباح‌السلطنه) استفاده کند که سال‌ها در دستگاه حکومت محلی او به‌عنوان پیش‌کار و مستوفی خدمت کرده بود و به توانایی و وفاداری‌اش اعتماد کامل داشت (نظری، ۱۳۸۸، ص ۸۳). البته محمدولی خان در دوران نمایندگی هم به‌نوعی پیش‌کار شوکت‌الملک باقی ماند و به جای تمرکز بر مشکلات سیستان، تمام تلاش خود را برای رضایت شوکت‌الملک و پیگیری امور مختلف او در تهران گذاشت (ساکماق، ۱-۱۳۰/۱۶۷/۵) و از طریق کسب رضایت او، سه دوره متوالی (از مجلس چهارم تا ششم) نماینده سیستان در مجلس باقی ماند.

محمدولی خان که سیاست‌مداری باهوش و فرصت‌طلب بود، در طول این سال‌ها علاوه بر پیگیری امور شوکت‌الملک در تهران، با نزدیکی به جناح قدرت، در دایره طرفداران رضاخان قرار گرفت و همراه آنان برای تغییر سلطنت تلاش کرد؛ از این رو رضاشاه بعد از

کسب قدرت و در اواخر مجلس پنجم (۱۳۰۲ش-۱۳۰۴ش/ ۱۹۲۴م-۱۹۲۶م) او را با حفظ سمت نمایندگی سیستان، نایب‌التولیه آستان قدس رضوی کرد (عاقلی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۱۰۰). بی‌شک کرسی نمایندگی سیستان برای محمدولی خان سکوی پرتاب به سمت‌های بالاتر بود؛ ولی وکالت او برای سیستان دستاورد چشمگیری نداشت. او در طی سه دوره حضورش در مجلس، حتی یک نطق هم درباره سیستان ارائه نداد و به دلیل اینکه از اواخر مجلس پنجم به‌عنوان نایب‌التولیه آستان قدس انتخاب شده بود، در جلسات آخر مجلس پنجم و کل مجلس ششم حضور نداشت و نامش به‌عنوان غایب همیشگی در مذاکرات این ادوار به ثبت رسید (مشروح مذاکرات دوره ششم).

۴. نمایندگان سیستان در دوره دوم مشروطه

با سقوط قاجار و آغاز سلطنت پهلوی دومین دوره مشروطه شامل هفت دوره مجلس بین ادوار ششم تا سیزدهم آغاز شد (شجیعی، ۱۳۸۳، ج ۴، ص ۲۱۲). سیاسیون در ابتدای این دوره تحت تأثیر شعارهای قبل از سلطنت پهلوی منتظر تغییرات مثبت در روند سیاسی و مدنی بودند؛ ولی برعکس انتظار آنان، شرایط کشور به سمت استبداد و خفقان سیاسی کشیده شد و مجلس نیز با انتخاب مهره‌های مدنظر شاه به نهادی وابسته به سلطنت مبدل شد.

در سیستان محمدولی خان اسدی باینکه از اواخر دوره پنجم نایب‌التولیه آستان قدس شده بود، اما قصد نداشت مجلس را رها کند و با وجود حضور نداشتن در مجلس ششم، هم‌چنان عنوان نمایندگی سیستان را یدک می‌کشید. او که با برنامه کاری بسیار فشرده‌ای در آستان قدس روبه‌رو بود برای پیشرفت کاری‌اش تمایل داشت تمام تمرکز خود را در آستان قدس به‌کار گیرد؛ بنابراین ضمن نامه‌ای به شوکت‌الملک و ابراز ناخشنودی از این شرایط خسته‌کننده، زمینه را برای رهاکردن نمایندگی مجلس مهیا کرد (ساکماق، ۱ و ۲/۲۵۶/۱۳۰). با وجود این او که به‌خوبی می‌دانست مجلس سکوی پرش است، با معرفی سلمان خان پسر بزرگ خود به شوکت‌الملک تلاش کرد تا شرایط را برای جانشینی و حضور او بر کرسی نمایندگی سیستان فراهم آورد (ساکماق، ۲ و ۳/۷۱۸۷۸).

به‌این ترتیب سلمان خان اسدی که تحصیل‌کرده اروپا بود و مدتی را دور از ایران سپری کرده بود به‌عنوان دومین فرد از خاندان اسدی، در دوره هفتم مجلس (۱۳۰۷ش-۱۳۰۹ش/ ۱۹۲۸م-۱۹۳۰م) نماینده مردم زابل شد (کمام، ۴/۳-۵۲-۲۸-۷-۱۰۲۱). مردم سیستان با گذشت چندین دوره از مجلس و کسب اطلاعاتی از نقش مجلس در کشور طبعاً شاخصه‌هایی برای انتخاب نماینده پیدا کرده بودند و از طریق آن‌ها به‌دنبال تغییراتی در وضعیت آشفته سیستان بودند. به‌همین دلیل زمره‌هایی اعتراض‌آمیز به



گزینه‌های شوکت‌الملک آغاز شد. این اعتراضات با انتخاب سلمان‌خان که برعکس پدرش هیچ‌وقت سیستان را ندیده بود و با مشکلات آن آشنایی نداشت، شدت یافت. آنان در این اعتراضات، اسدی را نمایندهٔ تحمیلی بر سیستان می‌خواندند که با «زور پول و فشار [بر] مستأجر [ین]»^۱ به این سمت رسیده‌است (کمام، ۶ و ۱/۷-۵۲-۲۸-۷-۲۱؛ پیوست ۳). البته شدت این اعتراضات علاوه بر غریبه‌بودن سلمان‌خان در سیستان، به عملکرد او در مجلس نیز مربوط می‌شد. در واقع سلمان‌خان نتوانست تأثیر رضایت‌بخشی بر وضعیت اسفناک سیستان بگذارد و این در حالی بود که او به دلیل شهرت و اعتبار پدرش که مهره‌ای شناخته‌شده در مجلس بود، حتی به‌عنوان منشی هیئت‌رئیس دورهٔ هفتم هم انتخاب شده بود (مشروح مذاکرات دورهٔ ۷، نشست ۲-۱۳۰۷/۸/۲۰). او با این جایگاه حتی یک نطق هم در مجلس ارائه نداد و نامش در مذاکرات مجلس با بیش از شصت بار غیبت فقط در قسمت تذکر به افراد غایب و بی‌نظم مجلس ثبت شد (مشروح مذاکرات دورهٔ ۷، نشست ۶۰-۱۳۰۸/۵/۳۱).

با این حال سلمان‌خان که مانند پدرش می‌دانست عامل بقای او در مجلس، بیشتر از رضایت مردم به رضایت و حمایت شوکت‌الملک بستگی دارد، تمام تلاش خود را برای جلب حمایت او گذاشت (ساکماق، ۱-۷۱۹۸۵/۴) و از این طریق سه دورهٔ متوالی (هفتم تا نهم) نمایندهٔ مردم سیستان در مجلس باقی ماند.

از سوی دیگر محمدرولی‌خان اسدی که اکنون یکی از قدرتمندترین مردان سیاست در ایران بود سعی داشت تا با وصلت‌های سیاسی اعتبار خاندانش را چند برابر کند. او در این مسیر هر چند موفق نشد با دختران رضاشاه وصلت کند، اما علی‌اکبر پسر کوچکش را داماد محمدعلی فروغی نخست‌وزیر کشور کرد (وحیدنیا، ۱۳۷۸، ص ۶۱) و با استفاده از این روابط زمینهٔ پیشرفت دو پسرش را فراهم آورد. او ابتدا سلمان‌خان نمایندهٔ زابل را به‌عنوان مدیر بانک تازه‌تأسیس فلاحت منصوب کرد (کمام، ۲-۱۱۴/۲-۱-۲-۴۴-۹-۱۰۱۱). سپس در راستای حفظ کرسی ارزشمند مجلس دومین پسرش علی‌اکبرخان اسدی را به‌عنوان نمایندهٔ دورهٔ دهم (۱۳۱۴ ش-۱۳۱۶ ش / ۱۹۳۵ م-۱۹۳۷ م) سیستان منصوب کرد (کمام، ۲/۶-۱-۵۲-۵۹-۱۰-۲۱).

علی‌اکبرخان اسدی که تحصیل کردهٔ آمریکا و داماد نخست‌وزیر کشور بود در حالی به‌عنوان هفتمین دورهٔ متوالی نمایندگی خاندان اسدی، از سیستان به مجلس وارد شد که اعتراضات اهالی سیستان به این موضوع چندین برابر شده بود (کمام، ۶ و ۱/۷-۵۲-۲۸-۷-۲۱)؛ ولی قدرت و اعتبار این خاندان رسیدگی به این اعتراضات را غیرممکن کرده بود. اما ستارهٔ بخت و اقبال این خاندان ناگهان افول کرد و در حالی که علی‌اکبرخان تازه

۱. اراضی سیستان از دورهٔ ناصری خالصه اعلام شد و بانام مستأجر (خاص) در اختیار خوانین محلی قرار داده شد. این روند در دورهٔ رضاشاه به‌شکل سهام اجاره‌ای به عموم (مستأجر عام) واگذار شد (اویسی و علی‌صوفی، ۱۳۹۱، ص ۸۶).



وارد مجلس دهم شده بود، با بدبینی رضاشاه به محمدولی خان اسدی او به عنوان مسبب اصلی غائله مسجد گوهرشاد دستگیر و در کمال ناباوری اعدام شد (وحیدنیا، ۱۳۷۸، ص ۶۲). با افول ستاره بخت محمدولی خان، دو پسرش نیز که با استفاده از رانت پدر به مقام‌های سیاسی رسیده بودند به استعفاء مجبور (کمام، ۲ و ۳/۳-۱-۵۲-۵۹-۱۰-۱۰۲۱) و تبعید شدند. آنان هر چند بعد از سقوط رضاشاه و در دوره نخست‌وزیری فروغی، مجدداً وارد جریان‌های سیاسی کشور شدند، اما هیچ‌وقت شکوه و جلال دوره محمدولی خان را زنده نکردند.

با استعفای اجباری علی‌اکبرخان اسدی، کرسی نمایندگی سیستان از طریق انتخابات میان‌دوره‌ای و در اوایل سال ۱۳۱۵ ش ۱۹۳۶ م نصیب عیسی مشار شد (کمام، ۳/۴-۱-۵۲-۵۹-۱۰-۱۰۲۱). او که از ملاکان خراسان و کارمند آستان قدس بود برای چهار دوره متوالی از مجلس دهم تا سیزدهم (۱۳۱۵ ش-۱۳۲۲ ش/۱۹۳۶ م-۱۹۴۳ م) نماینده مردم سیستان در مجلس شد. برطبق اسناد، او «اصلاً زابلستان را در عمر خود ندیده [بود] و یک نفر زابلی هم او را نمی‌شناخت»؛ حتی ظاهراً شوکت‌الملک علم هم که تعیین‌کننده همه وکلای سیستان تا آن دوره بود نقشی در انتخاب او نداشت و او این چهار دوره نمایندگی را به دلیل ارتباط همسرش با خانواده رضاشاه به دست آورده بود (کمام، ۲/۳-۱-۳۶-۱۱۹-۱۳-۱۰۲۱).

اما مردم که از عملکرد مشار به عنوان نماینده سیستان ناراضی بودند، اعلام کردند در صورت کناره‌رفتن او از نمایندگی «حاضرند حقوق ماهیانه» او را از جیبشان پرداخت کنند تا شاید فرد دیگری را «که مختصر شباهت [ی] به نمایندگان سایر شهرستان‌های ایران» دارد وکیل سیستان کنند (کمام، ۲/۳-۱-۳۶-۱۱۹-۱۳-۱۰۲۱)؛ اما مشار که هم‌چنان شناخت زیادی از منطقه و مشکلات مردم نداشت و تعهدی هم درقبال آن‌جا احساس نمی‌کرد بدون توجه به این قبیل شکایات و ظاهراً فقط برای حضور و غیاب به مجلس می‌رفت. او با وجود اینکه در طی این چهار دوره در کمیسیون‌های مختلف مجلس مثل کمیسیون طرق (مشروح مذاکرات دوره ۱۱، نشست ۸-۱۳۱۶۷/۲۰)، کمیسیون کشاورزی (مشروح مذاکرات دوره ۱۲، نشست ۸۹-۱۳۲۰/۱/۱۹) و کمیسیون پست و تلگراف (مشروح مذاکرات دوره ۱۳، نشست ۹۵-۱۳۲۱/۷/۱۹) حضور داشت، هیچ‌گاه از این ظرفیت‌ها در جهت منافع مردم سیستان استفاده نکرد.

۵. نمایندگان سیستان در دوره سوم مشروطه

با سقوط رضاشاه در شهریور ۱۳۲۰ ش/۱۹۴۱ م و آغاز فضای باز سیاسی در کشور، مشروطه نیز وارد سومین دوره خود شد. در این مقطع بسیاری از مخالفان رضاشاه که سال‌ها در خفا



بودند قصد داشتند تا با ورود به مجلس بار دیگر وارد عرصه سیاسی کشور شوند (شجیعی، ۱۳۸۳، ج ۴، صص ۲۲۲-۲۲۴)؛ بنابراین انبوهی از درخواست‌ها و سفارش‌های سیاسیون به شوکت‌الملک رسید؛ چون او با پایان دوره نمایندگی مشار، بار دیگر می‌توانست برای انتخاب نماینده در مناطق تحت نفوذش یعنی زابل، بیرجند و بلوچستان تعیین‌کننده باشد (علی‌بابایی خامنه، ۱۳۸۱، ص ۴۵۷). حتی عیسی مشار نیز که در طول چهار دوره گذشته به‌ندرت با شوکت‌الملک تماس داشت از او خواست تا «مساعدت فرماید که باز [او] از زابل انتخاب شود» (علی‌بابایی خامنه، ۱۳۸۱، صص ۴۵۴-۴۵۵).

سلطان‌خان اسدی هم از طریق امان‌الله جهانبانی فرمانده لشکر شرق، برای ورود به انتخابات سیستان از شوکت‌الملک کمک و حمایت خواست (علی‌بابایی خامنه، ۱۳۸۱، ص ۴۸۲). حتی خود نخست‌وزیر هم فردی را برای انتخابات سیستان به شوکت‌الملک معرفی کرد (فرخ، ۱۳۴۷، ص ۶۴۰). این درحالی بود که فضای سیاسی کشور بر سیستان هم تأثیر گذاشته بود و سیستانی‌ها که در طول ادوار گذشته به دلیل نداشتن نماینده بومی به شدت ناراضی بودند و تمام مشکلات خود را درگرو همین موضوع می‌دیدند ضمن نامه‌ای به شوکت‌الملک نوشتند: «فرض بفرمایید که ما سیستانی‌ها تاکنون صغیر بوده‌ایم و حضرت عالی هم قیّم ما بوده‌اید، اما حالا دیگر کبیر شده‌ایم و ضمن سپاس‌گزاری از خدمات شما از این‌به‌بعد می‌خواهیم کارهایمان را خودمان به‌دست گیریم و از آن جمله می‌خواهیم نماینده‌مان را برای مجلس شورای ملی خودمان و از خودمان انتخاب کنیم.» اما شوکت‌الملک که از مدتی قبل قول نمایندگی سیستان را به مهدی فرخ داده بود همه درخواست‌ها را رد کرد و به اهالی سیستان نیز وعده داد که در انتخابات بعدی می‌توانند نماینده بومی برای خود برگزینند (محمدی خمک، ۱۳۹۲، ص ۳۶۰).

فرخ در دوره چهارم مجلس هم از سیستان انتخاب شده بود؛ ولی چنانکه گذشت به دلیل دشمنی با قوام و حمایتش از پسیان، با رد اعتبارنامه‌اش در مجلس مواجه شد. او ولی در طول این دو دهه با پشتکار و جدیت فعالیتش را در عرصه سیاسی ایران ادامه داد و با جلب نظر رضاشاه موفق شد که پست‌های مهمی مثل چند دوره استانداری و چند مدیرکلی و معاونت وزارت‌خانه و در نهایت دو دوره وزارت در وزارت خواروبار و وزارت صناعت را به‌دست آورد و جزء رجال سرشناس کشور شود (عاقلی، ۱۳۸۰، ج ۲، صص ۱۰۸۳-۱۰۸۴)؛ اما با وجود این او مراودات مختلفش با شوکت‌الملک را حفظ کرد (ساکماق، ۱ و ۲/۲۰۲۰۷) و زمانی که بعد از سقوط رضاشاه زمینه را برای ورود به مجلس مناسب دید از شوکت‌الملک برای حضور در انتخابات سیستان اجازه گرفت و وارد مجلس چهاردهم (۱۳۲۲ش-۱۳۲۴ش / ۱۹۴۴م-۱۹۴۶م) شد (علی‌بابایی خامنه، ۱۳۸۱، صص ۴۴۹-۴۵۱).



فرخ در این دوره یکی از فعال‌ترین و تأثیرگذارترین نمایندگان مجلس بود. او ضمن حضور در کمیسیون امور خارجه، ریاست فراکسیون دموکرات مجلس را هم برعهده داشت (شجعی، ۱۳۸۳، ج ۳، ص ۷۸)؛ و با این وضعیت برای ریاست دوره‌ای مجلس وارد رقابت با سیدصادق طباطبایی شد که به ادعای خودش و طرفدارانش به دلیل اشتباه در خوانش رأی‌ها با اختلاف فقط یک رأی از ریاست بر مجلس بازماند (مشروح مذاکرات دوره ۱۴، نشست ۱۱۶-۱۲/۱۴/۱۳۲۴). نام او حتی در برهه‌ای از این مجلس به عنوان یکی از گزینه‌های جدی نخست‌وزیری مطرح شد که به گفته خودش به دلیل نداشتن وابستگی به سفارت‌خانه‌های خارجی منتفی شد (فرخ، ۱۳۴۷، صص ۶۳۱-۶۳۲ و ۶۶۷-۶۶۸). او هم‌چنین در این دوره با شکایت از سهیلی نخست‌وزیر سابق و وزیر کشورش تدین به دلیل سوءاستفاده از موقعیت شغلی برای تأثیر در انتخابات کشور، یکی از جنجالی‌ترین پرونده‌های قضایی این دوره را آغاز کرد (نجفی، ۱۳۹۲، صص ۱۱۸-۱۱۹).

فرخ علاوه بر این ماجراجویی‌های سیاسی در اکثر جلسات مجلس نیز حضوری پررنگ داشت و کلکسیونی از فعالیت‌های مختلف از جمله پیشنهاد یا مخالفت با طرح‌ها و لوایح مختلف (مشروح مذاکرات دوره ۱۴، نشست ۲-۱۲/۱۴/۱۳۲۲)؛ سؤال از وزرا و نخست‌وزیر (کمام، ۴۲ و ۳/۴۴-۱-۶-۸۲-۱۴-۱۰۱۱؛ مشروح مذاکرات دوره ۱۴، نشست ۴۳-۱۵/۴/۱۳۲۳)؛ و اخطار نظام‌نامه‌ای (مشروح مذاکرات دوره ۱۴، نشست ۵۴-۱۳۲۳/۵/۲۲) را در کارنامه داشت.

اما با وجود این حضور او در مجلس هیچ نفعی برای سیستان نداشت و انگار او نام سیستان را از یاد برده بود؛ چون در هیچ کدام از این نطق‌ها نامی از سیستان و مشکلات آن به میان نمی‌آورد. از طرف دیگر با وجود اینکه او قبل از نمایندگی مدتی در سیستان خدمت کرده بود، ولی سندی از حضور مجددش در بعد از انتخابات در سیستان، موجود نیست و این حضور نداشتنش در منطقه باعث شده بود که محمد رضا خان پردلی (از سران مخالف با خاندان علم) با توجه به مرسوم بودن نام زنانه فرخ در سیستان، به طعنه بگوید: «ما نفهمیدیم که این فرخ مرد است یا زن؟!» (محمدی خمک، ۱۳۹۲، ص ۳۵۰).

در این برهه مخالفان سیستانی سازمان یافته‌تر شدند و در مقابل طرفداران خاندان علم یا «علمیون»، به گروه «ضد علميون» مشهور شدند (اویسی، ۱۳۹۹، ص ۷۱). آنان سعی می‌کردند که از طُرُق مختلف، خصوصاً ارسال شکوائیه به مرکز، مبارزاتشان را با خاندان علم ادامه دهند؛ بنابراین شکایات متعددی را علیه فرخ به تهران فرستادند و در آن‌ها ضمن گلایه‌مندی از اینکه اهالی سیستان در این دوره به اصطلاح آزاد انتخابات هم حق تعیین وکیل از میان خودشان را نداشته‌اند، فرخ را نماینده طبقه مرفه جامعه و حامی ثروتمندان و



متنفذان خواندند که «با اهالی فقیر و پریشان زابل» هیچ سنخیتی ندارد و انتخابش برخلاف تمایل مردم سیستان بوده است (کمام، ۴ و ۱/۷-۳۶-۳-۱۴-۱۰۲۱).

آنان هم‌چنین خواهان تعیین وکیل محلی شدند و اعلام کردند: «سیستانی سواي سیستانی دیگری [را] به وکالت نخواهد شناخت» و هر که خارج از سیستان نماینده شود، نماینده تحمیلی بر این منطقه است. از سایر خواسته‌های آنان رد اعتبارنامه مهدی فرخ و تعیین مأمور مخصوص برای انتخابات آزاد در سیستان بود (کمام، ۱۲ تا ۱۵/۱-۳۶-۳-۱۴-۱۰۲۱). با وجود تعدد این شکایات فرخ هم‌چنان در مجلس حضور داشت؛ تا اینکه در اواخر این دوره به‌عنوان استاندار فارس منصوب شد و نمایندگی سیستان را رها کرد. انتخابات دوره پانزدهم (۱۳۲۶ش-۱۳۲۸ش/۱۹۴۷م-۱۹۴۹م) بعد از دو سال فترت، در تیرماه ۱۳۲۶ش/۱۹۴۷م و در اشراف کامل دولت قوام‌السلطنه - که خواهان مجلسی هم‌سو با سیاست‌هایش بود - برگزار شد (مروارید، ۱۳۷۷، ج ۳، صص ۱۴۵-۱۴۶). فرخ که بعد از مدت کوتاهی توسط قوام از استانداری فارس عزل شده بود تصمیم داشت برای مقابله با قوام بار دیگر نماینده سیستان شود (فرخ، ۱۳۴۷، صص ۹۵۵-۹۵۶). ولی این بار، مسیر رسیدنش به مجلس بسیار دشوار بود؛ زیرا بزرگ‌ترین دوست و حامی‌اش شوکت‌الملک در سال ۱۳۲۳ش/۱۹۴۴م از دنیا رفته بود و از دیگر سو، حریف قدرتمند و کهنه‌کاری مثل قوام در مقابلش قرار داشت که حتی اجازه نداد نام او در فهرست انتخابات سیستان وارد شود (کمام، ۱/۴-۱-۳۵-۸۵-۱۵-۱۰۲۱).

قوام‌السلطنه با اسدالله علم - پسر و جانشین شوکت‌الملک - روابطی حسنه داشت و زمینه انتصاب او به فرمانداری کل سیستان و بلوچستان را فراهم آورده بود (ابراهیمی، ۱۳۸۹، ص ۲۵۳). قوام‌السلطنه با هماهنگی اسدالله، برادر خود عبدالله وثوق (معمدالسلطنه) را به‌عنوان نامزد اصلی سیستان مطرح کرد؛ در حالی که عبدالله وثوق هیچ‌گاه سیستان را ندیده بود و زمانی که مردم به این موضوع اعتراض کردند قوام با طعنه پاسخ داد: «وقتی ایشان انتخاب شد عکس ایشان را می‌فرستیم که شماها بشناسید» (فرخ، ۱۳۴۷، صص ۹۶۰-۹۶۱). این دخالت مستقیم نخست‌وزیر در انتخابات سیستان، امید مخالفان برای پیروزی در این دوره را از بین برد و شاید به‌همین دلیل بود که اعتراضات و شکایات آنان در این دوره بسیار کاهش یافت.

عبدالله وثوق که شناخت زیادی از سیستان و مشکلات آن نداشت، در مجلس هم برای موکلان ندیده‌نشناخته‌اش چندان تلاشی نکرد. او حتی در دوره خشک‌سالی شدید رودخانه هیرمند در آن برهه هم هیچ نظر و دفاعیه‌ای ارائه نداد؛ در حالی که عمق این فاجعه به‌قدری گسترده بود که بسیاری از روزنامه‌ها به آن پرداخته بودند و سایر نمایندگان

مجلس، از جمله نماینده خلخال هم در جلسه مربوط به این موضوع از مردم سیستان دفاع کرده بودند (مشروح مذاکرات دوره ۱۵، نشست ۱۹-۱۳۲۶۷/۲).

ظاهراً سکوت عبدالله وثوق و شرکت نکردنش در مباحث مجلس تاحدی چشمگیر شده بود که برخی از نمایندگان مجلس به آن اعتراض کردند (مشروح مذاکرات دوره ۱۵، نشست ۱۹۵-۱۳۲۸/۵/۱)؛ ولی با وجود این او و کالت مردم سیستان را تا پایان مجلس پانزدهم با همین شیوه ادامه داد.

باینکه ضد علم‌یون سیستانی به دلیل دخالت نخست‌وزیر نتوانستند اقدامی مؤثر در این دوره انجام دهند، ولی در این سال‌ها تلاش کردند تا از همه ظرفیت‌های موجود برای تحقق اهداف خود استفاده کنند؛ از جمله برای جلب حمایت رهبران حزب توده، از آن‌ها برای تأسیس دفتر این حزب در زابل دعوت کردند. البته رهبران توده از مدت‌ها قبل به دلیل اینکه سیستان را «آبستن حوادث» سیاسی می‌دانستند، تبلیغات خود را آغاز کرده بودند (مجید فیاض، ۱۳۸۱، صص ۳۶۲-۳۶۳)؛ اما بعد از این درخواست به‌طور رسمی شاخه‌ای از حزب توده را با عنوان «کمیته اتحاد دهقانان و کشاورزان سیستان» در زابل تأسیس کردند (اویسی، ۱۳۹۲، ص ۱۶۱) و آن را به حزب توده بیزند که هدفش مبارزه با خاندان علم بود متصل کردند (سیاسر، ۱۴۰۰، ص ۱۰۷).

از سوی دیگر محمد رضا خان پردلی به‌عنوان لیدر اصلی ضد علم‌یون، برای نزدیکی به جریان حاکم در کشور از قوام‌السلطنه اجازه خواست تا شاخه‌ای از «حزب دموکرات» را در سیستان تأسیس کند (اویسی، ۱۳۹۲، ص ۱۶۵). ولی قوام که درخواست مشابهی از سوی علم‌یون سیستان دریافت کرده بود، ترجیح داد حزب دموکرات را با یکی از معتمدین بیزندی حزب در سیستان افتتاح کند (ساکما، ۲-۲۳۰/۵-۲۹۰۰۰)؛ و بنابراین عملاً هیچ‌کدام از دو گروه رقیب در سیستان نتوانستند به‌صورت مستقل خود را مبلغ ایدئولوژی دموکرات‌ها در منطقه کنند. البته بسیاری از مردم سیستان به‌لحاظ ایدئولوژیک، وابستگی حزبی نداشتند و صرفاً برای موفقیت در برابر رقیب به‌سمت این احزاب کشیده می‌شدند (سیاسر، ۱۳۹۲، صص ۱۸۵-۱۸۶).

این فضای پرتنش سیاسی و رقابت شدید دو گروه باعث نگرانی شدید اسدالله علم شد و او سعی کرد با برخی از اقدامات اصلاحی مثل برکناری اسماعیل خزیمه -شوهر خواهرش- از فرمانداری زابل میزان حساسیت‌های مردم به این خاندان را کاهش دهد (طلوعی، ۱۳۸۳، ص ۶۵)؛ و از طرف دیگر برای تسخیر قلوب مردم سیستان، با نمایندگی سردار علی خان پردلی در مجلس شانزدهم (۱۳۲۸ش - ۱۳۳۰ش / ۱۹۵۰م - ۱۹۵۲م) به آرزوی دیرینه آنان برای داشتن نماینده بومی، جامعه عمل بیوشاند (کمام، ۱/۳-۱-۳۳-۱۶۷-۱۶-۱۰۲۱؛ پیوست ۴).

البته علی خان باینکه برادر محمدرضاخان پردلی رهبر اصلی مخالفان خاندان علم بود، ولی از سالیان قبل همراه و حامی شوکت‌الملک در منطقه محسوب می‌شد و ظاهراً با درخواست او دست دوستی به اسدالله علم داده بود (رئیس‌الذاکرین دهبانی، ۱۳۸۸، ص ۲۹۷)؛ و با این دوستی، مهم‌ترین خاندان سیاسی زابل را به دو شاخه رقیب تبدیل کرده بود. ولی شرایط براساس برنامه اسدالله پیش نرفت و مرگ ناگهانی علی خان پردلی قبل از افتتاح مجلس شانزدهم، بار دیگر فضای سیستان را متشنج کرد و سیلی از تلگراف‌های مخالفان سیستانی را به سوی مقامات کشور روانه کرد که می‌گفتند: «باتوجه به اینکه تجربه نشان داده است و کلای غیر محلی برای اصلاح امور و رفاه اهالی این سامان کوچک‌ترین قدمی برنداشته اند»، بهتر است در انتخابات میان‌دوره‌ای بار دیگر نماینده‌ای بومی برگزیده شود (کمام، ۱/۸-۱-۳۳-۱۶۷-۱۶-۱۰۲۱).

این درحالی بود که اسدالله علم بعد از مرگ علی خان پردلی - که خود را همیشه مطیع او می‌دانست - (ساکماق، ۷۰۲۱۱/۳) هیچ گزینه بومی مناسبی برای نمایندگی مجلس نداشت، بنابراین به سمت امیرحسین خزیمه علم، شوهرخواهرش رفت که از یکسو نوه شریف‌خان نارویی و نتیجه وصلت‌های سیاسی خاندان علم با خوانین سیستان بود (مجید فیاض، ۱۳۸۱، ص ۳۷۴) و از سوی دیگر در اوایل دهه ۲۰ شمسی سال‌ها به‌عنوان فرماندار کل سیستان و بلوچستان خدمت کرده بود و با مردم منطقه آشنایی نسبی داشت (مجتهدزاده، ۱۳۷۸، ص ۱۰۴). هرچند که در آن دوره هم، شکایات متعددی از او خصوصاً برای تعدیاتش به زمین‌های کشاورزی دیگران به ثبت رسیده بود (ساکما، ۰۶۳۲۳۶/۱۵-۲۳۰) که با تهدید و سوءاستفاده از قدرت اداری اش قصد داشته بود آن‌ها را تصاحب کند (ساکما، ۲۳ و ۰۶۳۲۳۶/۲۴-۲۳۰).

با انتخاب امیرحسین خزیمه که سابقه خوبی در بین مردم نداشت شکایات علیه او افزایش یافت. محمدرضاخان پردلی (رقیب انتخاباتی او) بلافاصله بعد از انتخابات، با ذکر چندین ایراد قانونی لغو این انتخابات را خواستار شد (کمام، ۱۶ تا ۱/۲۰-۱-۳۳-۱۶۷-۱۰۲۱). هرچند این اعتراضات تصویب اعتبارنامه امیرحسین خان را چندین جلسه به تعویق انداخت، ولی در نهایت او به‌عنوان نماینده مردم سیستان در دوره شانزدهم مجلس منصوب شد (مشروح مذاکرات دوره ۱۶، نشست ۳۹-۱/۴/۱۳۲۹). حضور او در مجلس در این دو سال - مطابق انتظار مردم سیستان - برای منطقه دستاوردی نداشت و او این دوره را بدون ارائه نطق و یا پیشنهادی، با ثبت حدود سی جلسه غیبت و گرفتن چندین تذکر برای بی‌نظمی و ترک بی‌اجازه صحن مجلس (مشروح مذاکرات دوره ۱۶، نشست ۱۶۳-۱۱/۴/۱۳۳۰) با ثبت کارنامه‌ای ناموفق به پایان رساند.

۶. قیام ۱۹ بهمن

انتخابات دوره هفدهم سیستان به قیام ۱۹ بهمن ۱۳۳۰ ش (۱۹۵۱م) - مهم ترین حادثه سیاسی این منطقه در دوره پهلوی - منجر شد. فضای سیاسی سیستان که بعد از مرگ سردار علی خان پردلی متشنج شده بود جامعه سیاسی و اجتماعی منطقه را مانند انبار باروت کرده بود که وقایع این دوره جرقه‌ای بر آن شد. انتخابات این دوره در کشور به شدت تحت تأثیر نخست‌وزیری مصدق و فرمان او مبنی بر آزادی انتخابات قرار گرفته بود (افشار سیستانی، ۱۳۹۰، ص ۱۶۴). در سیستان نیز این فضا امید مخالفان برای پیروزی را چند برابر کرده بود. آنان که از مدت‌ها قبل بر انتخاب آیت‌الله ابراهیم شریفی روحانی سرشناس و محبوب سیستانی ائتلاف کرده بودند با ارسال تلگراف‌هایی متعدد به مصدق و کاشانی و تشریح وضعیت ادوار گذشته مجلس در زابل خواهان حمایت مصدق برای انتخاب وکیل حقیقی و بومی در سیستان شدند (کمام، ۱/۱۲-۱-۳۳۶-۵۷-۱۷-۱۰۲۱). آیت‌الله شریفی که در برخی اسناد به عضویت در گروه توده متهم بود، از اوایل دهه ۲۰ شمسی در مبارزات سیاسی همراه و حامی محمد رضا خان پردلی بود (ابراهیمی، ۱۳۸۹، ص ۳۴۶) که اکنون رهبری تبلیغاتی انتخابات را برعهده داشت. پردلی که در سیستان شخصیتی کاریزماتیک بود با انتخاب شعار تبلیغاتی «زابل برای زابلی‌ها» تمام مردم سیستان را با خود همراه کرد. او با اینکه هیچ رسانه تبلیغاتی‌ای نداشت، ولی حرف‌هایش در گوشه و کنار سیستان در حال زمزمه بود و مردم به تبعیت از او، علت اصلی بدبختی و پیشرفت نکردن سیستان را وجود نمایندگان غیربومی در ادوار گذشته می‌دانستند (مجید فیاض، ۱۳۸۱، صص ۳۷۸-۳۷۹) و بنابراین اکنون پیروزی شریفی خواستی عمومی شده بود.

در جبهه مخالف ولی اسدالله علم با وجود آگاهی از اعتراضات مردم به نمایندگی امیرحسین خان خزیمه در دوره قبل، با انتخاب مجدد او اشتباهی سیاسی را مرتکب شد. البته او ظاهراً بعد از ورود به زابل و مشاهده وضعیت آشفته شهر پشیمان شد و حتی قبل از ترک سیستان امیرحسین خزیمه را از تقلب و سرسختی در انتخابات برحذر داشت (چاری، ۱۳۹۰، ص ۴۰۸)؛ ولی خزیمه که برای پیروزی در این انتخابات بر حمایت نیروهای دولتی و اداری سیستان تکیه کرده بود، این هشدار را نادیده گرفت. این در حالی بود که مصدق برای جلوگیری از دخالت نیروهای دولتی تدابیری از قبیل جابه‌جایی استانداران و فرمانداران را اجرا کرد و در بخشنامه‌ای بر انتخاب افراد بی‌طرف و خوش‌نام برای حضور در انجمن‌های نظارت بر انتخابات تأکید کرد (عظیمی، ۱۳۷۴، ص ۳۷۶).

اما با وجود همه تدابیر صورت گرفته، این موضوع در زابل، زمینه اولین اختلاف دو گروه شد؛ زیرا مخالفان معتقد بودند که امیرحسین خان با استفاده از نیروهای دولتی



طرفدار خاندان علم، دوسوم اعضای انجمن نظارت بر انتخابات را از میان طرفداران خودش انتخاب کرده است (افشار سیستانی، ۱۳۶۹، ج ۲، صص ۷۹۷-۷۹۹)؛ و هم‌چنین برای پیروزی در انتخابات با علی‌نقی کوثر فرماندار جدید زابل رایزنی کرده است (کمام، ۱۰/۱-۱-۳۶-۵۷-۱۷-۲۱).

محمد رضاخان پردلی که با این شرایط خطر بروز تقلب را احساس کرده بود در تلگرافی به مصدق، ضمن شرح وقایع زابل، هشدار داد که ادامه این روند ممکن است باعث وقایع ناگوار در آینده و حتی تلف شدن عده‌ای از مردم شود (مکی، ۱۳۷۰، ج ۵، ص ۲۱). ارسال این قبیل تلگراف‌ها در روزهای بعد به دلیل اینکه سیم تلگراف را گروه رقیب از چند محل قطع کرده بود از شهرهای اطراف ادامه پیدا کرد (کمام، ۱۰/۳-۱-۳۶-۵۷-۱۷-۲۱)؛ ولی چون هیچ نتیجه‌ای نداشت، مخالفان با تعطیلی بازار تحصنی بزرگ را در تلگراف‌خانه زابل شکل دادند و سپس هیئتی را برای دیدار حضوری با نخست‌وزیر به تهران فرستادند. بازگشت بدون نتیجه نماینده آن‌ها یک روز قبل از انتخابات، جمعیت متحصن را چندبرابر کرد و باعث ایجاد بی‌نظمی در شهر و درگیری بین طرفین شد؛ اما فرماندار جدید بی‌توجه به این شرایط با وارد کردن افراد مسلح ایل نارویی به شهر و تهدید و تحقیر مردم -با سردادن شعار «زنده‌باد خزیمه علم و مرده‌باد زابلی»- باعث تحریک مردم شد (کمام، ۱۲ تا ۱۰/۱۵-۱-۳۶-۵۷-۱۷-۲۱). در نتیجه این وضعیت جمعیت خشمگینی که تا ده‌هزار نفر برآورد می‌شد مثل سیل روان درحالی که «بیل و کلنگ و چهارشاخ» به دست داشتند از روستاها به شهر زابل سرازیر شدند تا به هر شکلی شده است حق خود را بگیرند (مجید فیاض، ۱۳۸۱، صص ۳۸۰-۳۸۱).

جمعیت خشمگین در صبح روز ۱۹ بهمن هنگام خروج صندوق‌ها برای آغاز رأی‌گیری، در اطراف فرمانداری زابل حضور یافتند و چون احساس می‌کردند که صندوق‌ها از قبل بانام امیرحسین خزیمه پر شده است تلاش کردند تا آن‌ها را از مأموران بگیرند و بشکنند که این موضوع باعث درگیری و زخمی شدن یکی از معترضان شد. مردم که با این حادثه کنترل خود را از دست داده بودند به سمت مسئولان انتخابات حمله‌ور شدند و نظرخان نارویی رئیس انجمن نظارت بر انتخابات را به طرز فجیعی به قتل رساندند. آنان سپس با فریاد «یاعلی و یاحیدر» به تجسس سایر مسئولان رفتند و با یافتن فرماندار جدید و بازرس انتخاباتی که مخفی شده بودند آنان را تکه‌تکه کردند (رئیس‌الذاکرین دهبانی، ۱۳۸۸، صص ۳۰۳-۳۰۴). معترضان در ادامه، خانه امیرحسین خزیمه را محاصره کردند؛ ولی به دلیل محافظان مسلح در پشت‌بام خانه، که چندین تن از مردم معترض را کشتند -پراکنده شدند (حسین‌پور، ۱۳۷۳، ص ۵۹؛ کامم، ۱۰/۱۶-۱-۳۶-۵۷-۱۷-۲۱).



این درگیری که تا غروب ۱۹ بهمن ادامه یافت یازده کشته و چهل مجروح برجای گذاشت (مکی، ۱۳۷۰، ج ۵، ص ۲۲)؛ هرچند که ظاهراً آمار بالاتر از این تعداد بوده است و برخی از خانواده‌ها از ترس مجازات حکومتی یا درگیری طایفه‌ای از ارائه واقعیت خودداری کرده‌اند (کمام، ۱/۱۶-۱-۳۶-۵۷-۱۷-۱۰۲۱).

بنابراین این انتخابات که نتیجه حسرت‌های تاریخی و خشم مردم از دیده‌نشدن بود، دستاورد مثبتی برای جامعه سیستان در پی نداشت؛ بجز اینکه مردم سیستان را از وجود نماینده در دوره هفدهم محروم کرد. از سوی دیگر عواقب سیاسی و اجتماعی این حادثه مثل درگیری‌های طایفه‌ای از جمله قتل برادر محمد رضاخان توسط پسر نظرخان نارویی تا مدت‌ها بر سیستان سایه افکند (مجید فیاض، ۱۳۸۱، ص ۳۸۹). بدتر از همه اسارت و تبعید محمد رضاخان پردلی و آیت‌الله شریفی رهبران سیاسی سیستان بود که باعث شد جناح رقیب در ادوار بعدی بدون هیچ مزاحمت و مخالفتی بر امور منطقه مسلط شود.

انتخابات دوره هجدهم (۱۳۳۲ش-۱۳۳۵ش / ۱۹۵۴م-۱۹۵۶م) که بعد از کودتای ۱۳۳۲ش انجام شد برعکس دوره قبل که مصدق به دنبال انتخابات آزاد بود کاملاً فرمایشی و انتصابی بود و شاه در تلاش بود تا تمام نهادهای قدرت، از جمله مجلس را در اختیار بگیرد. اسدالله علم هم اگرچه بعد از حادثه ۱۹ بهمن و تبعید سران مخالف، تصمیم‌گیرنده اصلی انتخابات در سیستان بود، ولی به دلیل هراسی که از وقایع تلخ گذشته داشت، ابراز تمایل امیر حسین خزیمه برای حضور در انتخابات سیستان را نادیده گرفت و او را نماینده بیرجند کرد (محمدی خمک، ۱۳۹۲، ص ۵۳۴).

اسدالله علم سپس جهانگیرخان تفضلی را که قرار بود از طریق نمایندگی بیرجند، چشم و گوش شاه در مجلس شود نماینده سیستان کرد. البته او این موضوع را با احتیاط انجام داد؛ چون تفضلی «هرگز زابل را ندیده بود... و بعدها هم ندید» و این موضوع ممکن بود باعث خشم مردم شود؛ از این رو اسدالله علم با سناریویی هوشمندانه ابتدا در زابل کاندید شد و بعد از انتخاب به عنوان نفر اول، انصراف داد تا تفضلی به عنوان نفر دوم و بدون اعتراض «به مردم تحمیل شود» (تفضلی، ۱۳۷۶، صص ۹۵-۹۸).

تفضلی بعد از حضور در مجلس و عضویت در کمیسیون برنامه (مشروح مذاکرات دوره ۱۸ نشست ۵-۲/۲-۱۳۳۳) «با اینکه مثلاً نماینده مردم زابل در مجلس بود»، ولی فقط به دنبال تهیه گزارش برای شاه بود و به این منظور «هر هفته در روزهای ملاقات» به خدمت شاه شرفیاب می‌شد (تفضلی، ۱۳۷۶، ص ۱۰۸). از طرف دیگر او که هم‌زمان با نمایندگی، به عنوان رئیس رادیو و تبلیغات نیز مشغول بود، فرصت حضور در همه جلسات مجلس را نداشت و حتی در بسیاری از رأی‌گیری‌های مجلس هم شرکت نمی‌کرد (مشروح

مذاکرات دوره ۱۸، نشست ۷۱-۱۱/۹/۱۳۳۳؛ دوره ۱۸، نشست ۲۱۴-۱۰/۱۲/۱۳۳۴). در چنین شرایطی طبیعی بود که تفضلی به شرایط سیستان که هرگز آن را ندیده بود، چندان اهمیتی ندهد و برنامه‌ای هم برای رفع مشکلات آن‌جا نداشته باشد. او معمولاً جلسات مجلس را بدون اظهارنظر و با سکوت به پایان می‌رساند و اگر به ندرت نطق یا نظری از او در مذاکرات این دوره ثبت شده است (مثل جلسه مربوط به پیمان بغداد) بیشتر در راستای رضایتمندی شاه و پیشبرد اهداف سلطنت بوده است (مشروح مذاکرات دوره ۱۸، نشست ۱۶۲-۷/۲۷/۱۳۳۴).

۷. نمایندگان بومی سیستان

دوره نوزدهم مجلس (۱۳۳۵ ش-۱۳۳۹ ش/۱۹۵۶م-۱۹۶۰م) فرصتی تاریخی برای سیستان شد؛ چون با وجود اینکه بزرگان علم از چندین دهه گذشته، اهالی سیستان را حتی شایسته مدیریت‌های محلی هم نمی‌دیدند (محمدی خمک، ۱۳۹۲، ص ۶۰۳)، بالاخره مجبور شدند از خود سیستانی‌ها برای نمایندگی مجلس استفاده کنند. در این دوره ابراهیم خان پردلی به‌عنوان نماینده دوره نوزدهم انتخاب شد. البته ابراهیم خان در یک دهه قبل از آن و بعد از مرگ پدرش سردار علی خان پردلی نماینده متوفای دوره شانزدهم، به‌همراه محمدحسین خان نارویی از حامیان خاندان علم در منطقه بود و در جریان‌های مختلف مثل ۱۹ بهمن وفاداری‌اش را به این خاندان اثبات کرده بود. با وجود این انتخاب او در سال ۱۳۳۵ ش از معدود انتخابات بدون شاکه در سیستان بود (کمام، ۵ و ۱۰۷-۱-۳۲-۲۴-۱۹-۱۰۲۱). حضور ابراهیم خان در مجلس علاوه بر دوره نوزدهم - که برای اولین بار در تاریخ مجلس مدتش به چهار سال افزایش یافته بود - در سه دوره ۲۰، ۲۲ و ۲۴ هم ادامه پیدا کرد.

البته باید اذعان داشت که علاوه بر بومی بودن، عملکرد قابل قبول او در این ادوار هم، عامل مهمی در نبود شکایت علیه او بود. بررسی اسناد مجلس نشان می‌دهد که ابراهیم خان سطح نمایندگی این منطقه را ارتقاء داد و در اولین حضورش در مجلس با ارائه بیش از ده نطق پیش از دستور و حدود سی سؤال از وزرا درباره مسائل مختلف سیستان، از حیطة کشاورزی به‌عنوان قطب اصلی اقتصاد (مشروح مذاکرات دوره ۱۹، نشست ۹۱-۱۳۳۶/۳/۷) تا مسائل بهداشتی سیستان (مشروح مذاکرات دوره ۱۹، نشست ۱۱۳-۱۱۳/۳۰/۴/۱۳۳۷) و همچنین مسائل عمرانی (مشروح مذاکرات دوره ۱۹، نشست ۴۰۱-۱۱/۱۱/۱۳۳۹) و زیرساخت‌های مختلف مثل خطوط مخابرات و پست و تلگراف (کمام، ۸/۱۵-۸۲-۲۲ق) به‌خوبی از فرصت مجلس برای بیان مشکلات سیستان استفاده کرد. درحالی که در طول هیجده دوره قبل به ندرت نطق یا سؤالی درباره مشکلات منطقه از سوی نمایندگان سیستان مطرح شده بود. او در ادوار بعدی

حضورش در مجلس نیز این روند را ادامه داد و مجموعاً با بیش از چهل نطق انتقادی و شصت سؤال یکی از فعال‌ترین نمایندگان مجلس بود.

البته این پیگیری‌ها و خصوصاً نطق‌های تند و انتقادی او علیه مسئولان کشور تبعات مختلفی از اختلاف و درگیری نمایندگان با او (مشروح مذاکرات دوره ۲۲، نشست ۲۱۸-۱۳۴۹/۱۰/۱؛ دوره ۲۲، نشست ۲۴۸-۲۶/۲/۱۳۵۰) تا پرونده‌سازی و دعوی قضایی با وزرا (ساکما، ۳۸ و ۴۰ و ۷۰ تا ۲۷۷/۷۴-۰۰۲۷۷۷/۳۷۰؛ کما، ۲/۲۵-۳-۳۱-۲۲-۱۰۱۱) را برای او به همراه داشت. ولی او در مواردی که در مجلس به بن‌بست می‌خورد از طریق فرستادن نامه به شاه موضوع را پیگیری می‌کرد (ساکما، ۲۷۷/۶-۰۰۲۷۷۷/۳۷۰؛ پیوست ۵).

تلاش‌های پردلی در این سال‌ها باعث آغاز پروژه‌های مختلفی در سیستان شد که از جمله می‌توان به آغاز پروژه اصلاح پل نهرآب (مشروح مذاکرات دوره ۱۹، نشست ۱۶۴-۱۱/۱۵/۱۳۳۶؛ کما، ۱۷۲-۱-۲-۸۲-۲۲ق)؛ پیگیری وام‌های کشاورزی (مشروح مذاکرات دوره ۲۲، نشست ۷۴-۳۰/۴/۱۳۴۷)؛ ارتقا پست و تلگراف وسیم‌کشی خطوط بین شهری (کما، ۶ و ۸/۱۵-۰-۸۲-۲۲ق)؛ احداث کارخانه لبنیات‌سازی در سیستان (کما، ۵/۴-۰-۸۷-۲۲ق)؛ آغاز قرارداد احداث کارخانه برق شهری زابل (ساکما، ۸ و ۱۰/۱۰۹۹۲۱/۳۷۰)؛ احداث جاده بین شهری زابل به زاهدان (مشروح مذاکرات دوره ۲۴، نشست ۲۱-۱۴/۱۱/۱۳۵۴)؛ و چندین پروژه دیگر اشاره کرد.

هرچند به دلیل کمبود اسناد علت حذف ابراهیم خان پردلی از نمایندگی سیستان بعد از دو دوره حضور پیاپی او در مجلس مشخص نیست، ولی جانشین او محمدحسین خان نارویی در مجلس بیست و یکم (۱۳۴۲ش-۱۳۴۶ش/۱۳۴۶ش-۱۹۶۳م-۱۹۶۷م) بالاخره با ورود به مجلس (مشروح مذاکرات دوره ۲۱، نشست ۲-۲۳/۰۷/۱۳۴۲) دستمزد سال‌ها خدمات و وفاداری‌اش به خاندان علم را دریافت کرد؛ زیرا نارویی که در جریان ۱۹ بهمن و همچنین انتخابات دوره هجدهم خدمات ویژه‌ای به اسدالله علم کرده بود در نامه‌هایش به اسدالله علم از او خواسته بود: «دربال آن‌همه از خودگذشتگی و تحمل زحمات طاقت‌فرسای سالیان دراز «لا اقل اندکی از هزار را جبران نماید» (محمدی خمک، ۱۳۹۲، صص ۵۳۱-۵۳۳).

اما نارویی بعد از ورود به مجلس نشان داد که صرف بومی بودن، شاخصه لازم و کافی برای نماینده اصلاح نیست؛ زیرا او نتوانست به درستی از حقوق مردم سیستان در مجلس دفاع کند و باینکه در مقطعی عضو کمیسیون آب و برق مجلس بود (مشروح مذاکرات دوره ۲۱، نشست ۶۰-۳۰/۱/۱۳۴۳)، حتی در جلساتی که مربوط به قوانین مرتبط با سیستان و کمیسیون تخصصی او بود، نیز سکوت کرد؛ در حالی که نمایندگان سایر شهرها



برای اینکه مردم سیستان «در آتیه بتوانند از آب لوله‌کشی استفاده نمایند» از حقوق آن‌ها دفاع کردند (مشروح مذاکرات دوره ۲۱، نشست ۱۰۳-۱۳۴۳/۰۷/۱۹).

اما نارویی ظاهراً در سیستان، چندان ساکت و آرام نبود و با سوءاستفاده از نفوذ و قدرت نمایندگی به دنبال منافع اقتصادی و زراعی خود بود و به همین دلیل چندین شکایت از او خصوصاً در اختلافات زراعی و سوءاستفاده از مقامش (ساکما، ۳۲۰-۰۳۱۹۰۳/۵) یا «تبانی با مأمورین ثبت» برای تصاحب زمین‌های دیگران، به ثبت رسیده است (کمام، ۱۵/۱۴-۱-۱۵-۲۵-۲۱-۱۰۱۱).

در دوره بیست و سوم مجلس (۱۳۵۰ش-۱۳۵۴ش/۱۹۷۱م-۱۹۷۵) با وجود اینکه آرزوی ابراهیم‌خان پردلی برای داشتن دو نماینده از سیستان در مجلس محقق شد (مشروح مذاکرات دوره ۱۹، نشست ۳۹۹-۱۳۳۹/۰۲/۱)، ولی خودش از ورود به مجلس بازماند. کمبود اسناد بازهم دلیل حضور نداشتن او در این دوره را مبهم می‌گذارد؛ ولی شاید نطق‌های انتقادی او علیه دولت و وزرا عاملی مهم در حذف او از مجلس بوده است. در این دوره اسدالله علم بعد از چهار دوره حضور نماینده بومی تصمیم گرفت دو نماینده غیربومی را وارد مجلس کند. البته این دو نفر در دهه بیست شمسی از مدیران عالی‌رتبه زابل بودند و اندکی با شرایط و جو زابل آشنایی داشتند.

اسماعیل خزیمه علم ریشه‌ای سیستانی داشت؛ چون پدرش صمصام‌الدوله در راستای وصلت‌های سیاسی خاندان علم، با خواهر علی‌خان و محمدرضاخان پردلی ازدواج کرده بود و بنابراین او پسر عمه ابراهیم‌خان پردلی بود. اسماعیل خزیمه در اوایل دهه بیست فرماندار زابل بود؛ اما اعتراض مردم به عملکردش باعث شد تا اسدالله علم برای برگرداندن اعتبار خاندان علم او را از کار برکنار کند (طلوعی، ۱۳۸۳، ص ۶۵)؛ و اکنون بعد از سه دهه دوری از فضای سیستان به لطف اسدالله علم، نماینده سیستان شد. ولی در این دوره عملکردی بسیار ناامیدکننده داشت؛ خصوصاً که در این دوره از مجلس یکی از مهم‌ترین قراردادهای منطقه سیستان در زمینه آب سیستان، با افغانستان امضا شد و او می‌توانست با بیان مشکلات ناشی از کم‌آبی هیرمند بر اقتصاد منطقه، شرایط بهتری را برای تنظیم بندهای این قرارداد به نفع مردم سیستان فراهم آورد و نقشی تأثیرگذار در تاریخ این منطقه از خود بر جای بگذارد. ولی او در جلسه مربوط به این قرارداد با وجود اینکه نماینده سیستان بود هیچ نظر یا پیشنهادی ارائه نداد (مشروح مذاکرات دوره ۲۳، نشست ۱۱۳-۱۳۵۲/۰۳/۲۲) و قرارداد آب سیستان بدون نظر کارشناسی یا حتی نطق احساسی نماینده مردم سیستان، منعقد شد. البته ظاهراً این موضوع چندان اهمیتی برای اسماعیل خزیمه نداشت؛ زیرا او در زمانی که عضو یکی از مهم‌ترین کمیسیون‌های مجلس یعنی کمیسیون امور خارجه نیز بود (مشروح مذاکرات دوره

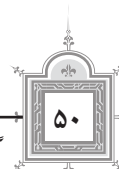
۲۳، نشست ۱۲۷-۱۲۸/۱۷/۰۷/۱۳۵۲؛ دوره ۲۳، نشست ۱۸۹-۱۸۸/۰۷/۱۳۵۳) و حتی می توانست از نفوذ خود در این کمیسیون بر وزارت خارجه و یا تأثیر برای ایجاد متمم برای این قرارداد استفاده کند، بازهم همان سیاست سکوت در جلسات مجلس را ادامه داد؛ بنابراین معلوم می شود که او کلاً به مباحث مجلس علاقمند نبوده است؛ زیرا علاوه بر اینکه در اکثر جلسات مجلس ساکت بوده، با پنجاه نوبت غیبت، در بیش از یک پنجم از جلسات مجلس هم حضور پیدا نکرده است (مشروح مذاکرات دوره ۲۳، نشست ۱۱۵-۱۱۴/۰۴/۱۳۵۲).

دومین نماینده غیربومی این دوره محمدحسین رهبر بود که او نیز سه دهه قبل از آن از سیستان خارج شده بود و طبعاً اکنون به علت نداشتن شناخت کافی از مشکلات منطقه نمی توانست تأثیر مثبتی برای سیستان داشته باشد. رهبر در مجلس بیست و سوم بدون بیان مشکلات سیستان، به دنبال ارتقای شغلی و حقوقی خودش بود (ساکما، ۰۵۸۹۴۶۷-۲۳۰). او در دوره بیست و چهارم (۱۳۵۴ ش-۱۳۵۷ ش/ ۱۹۷۵م-۱۹۷۸م) هم به عنوان نماینده سیستان حضور داشت (مشروح مذاکرات دوره ۲۳، نشست ۲-۲۵/۰۶/۱۳۵۴) و در این دوره هم نطق یا پیشنهادی درباره سیستان مطرح نکرد. البته او به خوبی می دانست که این دو حضور پیاپی در مجلس را بیشتر از شایستگی هایش مدیون روابطش با اسدالله علم و خدماتش به اوست.

رهبر در سال ۱۳۲۳ ش و با اکراه زیاد وارد اداره کشاورزی زابل شده بود و هرگز به این همه ارتقای شغلی بعدی فکر نمی کرد. او در آن زمان ضمن نامه ای به وزارت کشاورزی نوشته بود: «باتوجه به اینکه من «اصلاً نظر خاصی به زابل نداشته و زابلی هم نیستم که علاقه داشته باشم» در زابل خدمت کنم، تقاضا دارم به شهر دیگری منتقل شوم (ساکما، ۰۵۵۵۷۲/۴۸۲-۲۳۰؛ پیوست ۶). با وجود این او به زودی با پیوستن به جناح علمیان و انجام خدمات مختلف به آنان، خصوصاً در انتخابات شانزدهم و پیروزی امیرحسین خان خزیمه (کمام، ۱/۱۷-۱-۳۳-۱۶۷-۱۶-۱۰۲۱) به یکی از مهره های مورد وثوق اسدالله علم تبدیل شد. تاجایی که اسدالله علم در سال های بعد و در مناصب مختلف کشوری هم از او استفاده کرد و زمانی که به وزارت دربار رسید او را در سال ۱۳۴۵ به ریاست دبیرخانه امور اجتماعی دربار منصوب کرد؛ و سپس در سال ۱۳۵۰ تصمیم گرفت رهبر را به عنوان نماینده مردم سیستان وارد مجلس کند تا از طریق او اهداف سیاسی اش در مجلس را دنبال کند (نظری، ۱۳۸۸، ص ۴۰۳).

۸. نتیجه

حاکمان علم که بعد از انقلاب مشروطه و با پیوستن به مشروطه خواهان، و سپس نزدیکی به رضاشاه، قدرت خود را در منطقه حفظ کرده بودند، در همه انتخابات های سیستان نقشی اصلی و تعیین کننده برای انتخاب نماینده بر عهده داشتند. آنان در ابتدای مشروطه که سیستان



به دلیل ضعف‌های فرهنگی و سیاسی فاقد سیاست‌مداری اصلح برای نمایندگی مجلس بود، برای انتخاب نماینده با سیاسیون مرکز نشین - که اکثراً افرادی تحصیل کرده و بانفوذ در کشور بودند - برای نمایندگی سیستان توافق می‌کردند. ولی اغلب این افراد هیچ وقت سیستان را ندیده بودند و حتی بعد از انتخاب هم، برای سرکشی به آن جا نمی‌رفتند و از مشکلات مردم آن منطقه اطلاع زیادی نداشتند و بنابراین برنامه و طرحی هم برای بهبود شرایط سیستان ارائه نمی‌دادند. از طرف دیگر آنان که به دلیل پیگیری منافع شخصی خاندان علم، از انتخاب خود در ادوار بعدی مجلس مطمئن بودند، چندان علاقه‌ای برای شرکت در جلسات مجلس از خود نشان نمی‌دادند و یا اینکه اگر حضور داشتند هیچ نطق و نظری از آنان در مجلس شنیده نمی‌شد و معمولاً جلسات مجلس را با سکوت به پایان می‌رساندند. این وضعیت باعث نارضایتی شدید مردم سیستان شد. آن‌ها با گذشت زمان از کارکرد مجلس اطلاعاتی به دست آورده بودند و تمایل داشتند تا با فرستادن نمایندگان بومی به مجلس شرایط را برای پیشرفت منطقه خود فراهم آورند؛ بنابراین در زمینه انتخاب نماینده رقابتی سیاسی بین مخالفان به رهبری خوانین سیستان علیه خاندان علم ایجاد شد. این رقابت در اواخر دهه ۲۰ شمسی و در انتخابات دوره هفدهم به اوج خود رسید و باعث درگیری شدید بین طرفداران دو گروه و قتل ده‌ها نفر در حادثه ۱۹ بهمن ۱۳۳۰ شد؛ تاجایی که دولت مجبور شد انتخابات این دوره را ابطال کند و سران مخالف سیستانی را تبعید کند.

بعد از این حادثه و با وجود اینکه همه چیز به نفع خاندان علم به پایان رسیده بود و اسدالله علم یک‌هفته از میدان سیاست سیستان بود، اما او از ترس تکرار حوادث مشابه بسیار با احتیاط عمل کرد. به همین دلیل تصمیم گرفت که در انتخابات دوره نوزدهم و برای رضایت مردم از گزینه‌های بومی برای نمایندگی سیستان استفاده کند. هر چند که افراد بومی مدنظر او در طی سنوات قبل از حامیان و همراهان این خاندان در منطقه بودند و او می‌دانست که با وجود آن‌ها هم چنان می‌تواند سیاست‌های مدنظرش را در منطقه دنبال کند.

حضور نمایندگان بومی و علاقه‌مند به سیستان، باعث تلاش و پیگیری زیادی برای برطرف کردن مشکلات منطقه شد و میزان نطق‌ها و سؤالات مختلف درباره سیستان را به طور چشمگیری در مجلس افزایش داد و اثرات مطلوبی در مسائل عمرانی و زیرساختی سیستان گذاشت؛ اما این روند ادامه پیدا نکرد و اسدالله علم بی‌توجه به اثرات نامطلوب نمایندگان غیربومی و ناآشنا با مشکلات سیستان، بار دیگر و در دوره‌های آخر مجلس، از نیروهای غیربومی برای پیگیری سیاست‌هایش در مجلس استفاده کرد.

این موضوع همان آسیب جبران‌ناپذیری بود که به دلیل نفوذ خوانین محلی یا حضور خاندان‌های حکومتگر در نقاط مختلف، از مجلس اول تا پایان مشروطه گریبان‌گیر مناطق

- (دوره ۷، نشست ۶۰-۱۳۰/۵/۳۱)؛ (دوره ۱۱، نشست ۸-۱۳۱۶۷/۲۰)؛ (دوره ۱۲، نشست ۸۹-
۱۳۲۰/۱/۱۹)؛
(دوره ۱۳، نشست ۹۵-۱۳۲۱/۷/۱۹)؛ (دوره ۱۴، نشست ۲-۱۳۲۲/۱۲/۱۴)؛ (دوره ۱۴، نشست ۴۳-
۱۳۲۳/۴/۱۵)؛
(دوره ۱۴، نشست ۵۴-۱۳۲۳/۵/۲۲)؛ (دوره ۱۴، نشست ۱۱۶-۱۳۲۴/۱۲/۱۴)؛ (دوره ۱۵، نشست ۱۹-
۱۳۲۶/۷/۲)؛
(دوره ۱۵، نشست ۱۹۵-۱۳۲۸/۵/۱)؛ (دوره ۱۶، نشست ۳۹-۱۳۲۹/۴/۱)؛ (دوره ۱۶، نشست ۱۶۳-
۱۳۳۰/۴/۱۱)؛
(دوره ۱۸، نشست ۵-۱۳۳۳/۲/۲)؛ (دوره ۱۸، نشست ۷۱-۱۳۳۳/۹/۱۱)؛ (دوره ۱۸، نشست ۱۶۲-
۱۳۳۴/۷/۲۷)؛
(دوره ۱۸، نشست ۲۱۴-۱۳۳۴/۱۲/۱۰)؛ (دوره ۱۹، نشست ۹۱-۱۳۳۶/۳/۷)؛ (دوره ۱۹، نشست ۱۱۳-
۱۳۳۶/۰۴/۳۰)؛
(دوره ۱۹، نشست ۱۶۴-۱۳۳۶/۱۱/۱۵)؛ (دوره ۱۹، نشست ۴۰۱-۱۳۳۹/۰۲/۱۱)؛ (دوره ۱۹، نشست ۳۹۹-
۱۳۳۹/۰۲/۱)؛
(دوره ۲۱، نشست ۲-۱۳۴۲/۰۷/۲۳)؛ (دوره ۲۱، نشست ۱۰۳-۱۳۴۳/۰۷/۱۹)؛ (دوره ۲۱، نشست ۶۰-
۱۳۴۳/۰۱/۳۰)؛
(دوره ۲۲، نشست ۷۴-۱۳۴۷/۰۴/۳۰)؛ (دوره ۲۲، نشست ۲۱۸-۱۳۴۹/۱۰/۱)؛ (دوره ۲۲، نشست ۲۴۸-
۱۳۵۰/۰۲/۲۶)؛
(دوره ۲۳، نشست ۱۱۳-۱۳۵۲/۰۳/۲۲)؛ (دوره ۲۳، نشست ۱۱۵-۱۳۵۲/۰۴/۰۵)؛ (دوره ۲۳، نشست ۱۲۷-
۱۳۵۲/۰۷/۱۷)؛
(دوره ۲۳، نشست ۱۸۹-۱۳۵۳/۰۷/۱۸)؛ (دوره ۲۳، نشست ۲-۱۳۵۴/۰۶/۲۵)؛ (دوره ۲۴، نشست ۲۱-
۱۳۵۴/۱۱/۱۴)؛

کتاب

- ابراهیم زاده، عیسی. (۱۳۸۹). *سیستان: خاستگاه مدنیت و شهرنشینی در شرق ایران*. (چ ۱). تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی.
- ابراهیمی، مریم. (۱۳۸۹). *تحولات سیاسی و اجتماعی سیستان و یلوچستان (۱۳۲۰-۱۳۳۲ شمسی)*. (چ ۲). تهران: بخارا.
- اتحادیه، منصوره. (۱۳۷۵). *مجلس و انتخابات از مشروطه تا پایان قاجاریه*. (چ ۱). تهران: تاریخ ایران.
- افشار سیستانی، ایرج. (۱۳۹۰). *خاندان علم و سیاست‌های استعماری در خاور ایران*. (چ ۲). زاهدان: نقتان.



- افشار سیستانی، ایرج. (۱۳۶۹). *سیستان نامه*. (ج ۲). تهران: مرغ آمین.
- تفضلی، جهانگیر. (۱۳۷۶). *خاطرات جهانگیر تفضلی*. (ج ۱). (یعقوب توکلی، کوشش گر). تهران: سوره مهر.
- چاری، ناصر. (۱۳۹۰). *مقدمه‌ای بر جغرافیای تاریخی شهر زابل*. مشهد: تسنیم دانش.
- حسین‌پور، پرویز. (۱۳۷۳). *نظری و گذری بر تاریخ سیستان*. تهران: صفار.
- رئیس‌الذکرین دهبانی، غلام‌علی. (۱۳۸۸). *زادسروان سیستان: شرح مشور احوال طوایف سیستان*. (ج ۲). مشهد: فرهنگ سیستان.
- رئیس طوسی، رضا. (۱۳۸۵). *سرزمین سوخته: دیپلماسی بریتانیا در سیستان*. (ج ۱). تهران: گام نو.
- سیاسر، قاسم. (۱۴۰۰). *سیستان ویلوچستان از مشروطه تا انقلاب اسلامی*. (ج ۱). تهران: خزه.
- سیاسر، قاسم. (۱۳۹۲). *سیستان ویلوچستان در روزگار پهلوی «مجموعه شانزده مقاله»*. (ج ۱). تهران: آبنوس.
- شجیعی، زهرا. (۱۳۸۳). *نخبگان سیاسی ایران از انقلاب مشروطه تا انقلاب اسلامی*. (ج ۳، ج ۴). (ج ۲). تهران: سخن.
- طلوعی، محمود. (۱۳۸۳). *چهره واقعی علم*. (ج ۲). تهران: نشر علم.
- عاقلی، باقر. (۱۳۸۰). *شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران*. (ج ۱، ج ۲). (ج ۱). تهران: علم، گفتار.
- عظیمی، فخرالدین. (۱۳۷۴). *بحران دموکراسی در ایران: ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲*. (عبدالرضا هوشنگ مهدوی و بیژن نوذری، مترجمان). تهران: نشر البرز.
- فرخ، سیدمهدی. (معتمد السلطنه). (۱۳۴۷). *خاطرات سیاسی فرخ*. (ج ۱). (پرویز لوشانی، کوشش گر). تهران: امیرکبیر.
- مجتهدزاده، پیروز. (۱۳۷۸). *امیران مرزدار و مرزهای خاوری ایران*. (ج ۱). (حمیدرضا ملک‌محمدی نوری، مترجم). تهران: شیرازه.
- مجید فیاض، عبدالمجید. (۱۳۸۱). *از باغ قصر تا قصر آرزوها: خاطرات سیاسی یک عضو سابق حزب توده و صاحب امتیاز روزنامه هیرمند خراسان*. (ج ۱). تهران: کویر.
- محمدی خَمک، جواد. (۱۳۹۲). *سیستان و رویداد نوزده بهمن هزار و سیصد و سی خورشیدی*. (ج ۱). تهران: رشد فرهنگ.
- مروارید، یونس. (۱۳۷۷). *از مشروطه تا جمهوری: نگاهی به ادوار مجالس قانونگذاری در دوران مشروطیت*. (ج ۳). (ج ۱). تهران: اوحدی.
- مکی، حسین. (۱۳۷۰). *کتاب سیاه: سال‌های نهضت ملی*. (ج ۵). تهران: علمی.
- نظری، منوچهر. (۱۳۸۸). *رجال پارلمانی ایران (از مشروطه تا انقلاب اسلامی)*. تهران: فرهنگ معاصر.
- وحیدنیا، سیف‌الله. (۱۳۷۸). *در زیر تیغ (مجموعه‌ای از وقایع مهم تاریخی قرون مختلف)*. تهران: ۱۳۷۸.

مقاله

- آل‌رضا امیری، کاظم. (۱۳۹۶). «اسنادی درباره اعتبارنامه میرزامصورخان معدل‌الدوله (شیبانی)». پیام بهارستان، ۲، س ۱۰، ش ۳۰، صص ۱۶۲-۱۶۹.
- ابراهیمی، مریم. (۱۳۹۴). «قلعه سیکوهه [سه کوهه] سیستان و نقش تاریخی آن در وقایع شرق ایران در دوره قاجاریه». فصل‌نامه پژوهش‌نامه تاریخ، س ۱۰، ش ۳۹، صص ۱-۲۳.
- اویسی، عباس. (۱۳۹۹). «مواجهه متنفذان محلی و حکومت پهلوی (۱۳۲۰-۱۳۳۲ش)». فصل‌نامه گنجینه اسناد، سال ۳۰، دفتر چهارم، زمستان ۱۳۹۹، صص ۵۶-۸۲.
- اویسی، عباس؛ علی‌صوفی، علی‌رضا. (۱۳۹۱). «تحولات زمین‌داری و مالکیت در سیستان دوره پهلوی اول». دوفصل‌نامه پژوهش‌نامه تاریخ‌های محلی ایران، دوره ۱، ش ۱، صص ۸۶-۱۰۵.
- علی‌بابایی خامنه، فرزانه. (۱۳۸۱). «انتخابات دوره چهاردهم مجلس شورای ملی (۱۳۲۱-۱۳۲۲ش)». فصل‌نامه تاریخ معاصر ایران، س ۶، ش ۲۱ و ۲۲، صص ۴۰۵-۴۹۱.
- نائبیان، جلیل؛ شیخ‌نوری، محمدمیر؛ پیری، محمد. (۱۳۸۸). «حکام سیستان از تشکیل سلسله قاجار تا تسلیم علی‌خان سرابندی». فصل‌نامه پژوهش‌های تاریخی، دوره جدید، ش ۲، صص ۱۹-۳۴.
- نجفی، فاطمه؛ نجفی، فرهاد. (۱۳۹۲). «پایگاه طبقاتی و عملکرد نمایندگان بندرعباس در مجلس چهاردهم و پانزدهم مجلس شورای ملی». اسناد بهارستان، دوره جدید، ش ۱، صص ۱۱۷-۱۴۷.

پایان‌نامه

- اویسی، عباس. (۱۳۹۲). «زمین‌داری و تحولات مالکیت منطقه سیستان در دوره پهلوی». رساله دکتری تاریخ ایران بعد از اسلام. تحصیلات تکمیلی دانشگاه پیام نور تهران، بخش علوم اجتماعی.

Translate sources

Archival Documents

Ketāb-xāneh, Muze va Markaz-e Asnād-e Majles-e Šorā-ye Eslāmi (Kemām) (Library, Museum and Document Center of Iran Parliament):

- (17/33-18-1-37-168-2); (2/114-1-2-44-9-1011); (42); (44/3-1-6-82-14-1011) و (14/15-1-15-25-21-1011); (2/25-1-3-31-22-1011); (45) و (5/24-1-3-8-4-1021); (4/3-); (7/1-52-28-7-1021) و (6) و (7/1-52-28-7-1021); (6/2-1-52-59-10-1021); (2) و (3/3-1-52-59-10-1021); (10-1021); (4/3-1-52-59-10-1021); (3/2-1-36-119-13-1021); (4) و (7/1-36-3-14-1021); (12) to (15/1-36-3-14-1021); (4/1-1-35-85-15-1021); (3/1-1-33-167-16-1021); (8/1-1-33-167-16-1021); (17/1-1-33-167-16-1021); (16 to 20/1-1-33-167-1021);



(3/1-1-36-57-17-1021); (10/1-1-36-57-17-1021); (12/1-1-36-57-17-1021); (12 to 15/1-1-36-57-17-1021); (16/1-1-36-57-17-1021); (5 و 7/1-1-32-24-19-1021 و 8/15-0-82-22 و 6 و 22/1-9-26-3-1081)A); (72/1-1-2-82-22 ق4/5-0-87-22); (ق). [In Persian]

“Mašruh-e mozākerāt-e Majles” (Details of the parliamentary debates)

Term 2, Session 289-7/6/1290 (30/8/1911). Term 3, Session 60-18/5/1294 (10/8/1915). Term 7, Session 2-20/8/1307(11/11/1928). Term 7, Session 60-31/5/1308(22/8/1929). Term 12, Session 89-19/1/1320(8/4/1941). Term 11, Session 8-20/7/1316(12/10/1937). Term 13, Session 95-19/7/1321, (11/10/1942). Term 14, Session 116-14/12/1324, (5/3/1946). Term 14, Session 54-22/5/1323, (13/8/1944). Term 14, Session 43-15/4/1323, (6/7/1344). Term 14, Session 2-14/12/1322, (5/3/1944). Term 15, Session 19-2/7/1326, (25/9/1947). Term 15, Session 195-1/5/1328, (23/7/1949). term 16, Session 39-1/4/1329, (22/6/1950). Term 16, Session 163-11/4/1330, (3/7/1951). Term 18, Session 5-2/2/1333, (22/4/1954). [In Persian]

Term 18, Session 71-11/9/1333, (2/12/1954). Term 18, Session 214-10/12/1334, (1/3/1956). Term 18, Session 162-27/7/1334, (20/10/1955). Term 19, Session 91-7/3/1336, (29/9/1957). Term 19, Session 113-30/04/1336, (21/7/1957). Term 19, Session 401-11/02/1339, (1/5/1960). Term 22, Session 218-1/10/1349, (22/12/1970). Term 22, Session 248-26/02/1350, (16/5/1971). Term 19, Session 164-15/11/1336, (4/2/1958). [In Persian]

Term 22, session, 74-30/04/1347, (21/7/1968). Term 24, session, 21st session-14/11/1354, (3/2/1976). Term 21, session, 2-23/07/1342, (15/10/1963). 21st session, 60-30/01/1343, (19/4/1964). Term 19, session, 103-19/07/1343, (11/10/1964). Term 19, session, 399-1/02/1339, (21/4/1960). 23rd session, 127-17/07/1352, (9/10/1973). Term 23, session, 189-18/07/1353, (10/10/1974). Term 23, session, 113-22/03/1352, (12/6/1973). Term 23, session, 115-05/04/1352, (26/6/1973). Term 23, session, 2-25/06/1354, (16/9/1975). [In Persian]

Sāzmān-e Asnād va Ketābxāne-ye Melli-ye Irān (Sākmā) (National Library and Ar-



chives Organization of Iran):

(055572-230/482); (230-058946/7); (230-063236/15); (230-063236/23&24);
(290000230/2-5); (031903-320/5); (370-002777); (370-009921/8 10 9). [In Persian]
Sāzmān-e Ketābxāne-hā, Muze-hā va Markaz-e Asnād-e Āstān-e Qods-e Razavi
(Sākmāq) (The organization of Libraries, Museums and Documents Center of
Āstane Qudse Razavi)
(7777/1); (130167/5-1); (130256/170211/3); (2970202/1); (71985/1-4); (3971878/2); (29).
[In Persian]

Books

- Afshar Sistani, Iraj. (1390/2011). "**Xāndān-e 'Alam va siyāst-hā-ye este'māri dar xāvar-e Irān**" (Alam family and colonial policies in eastern Iran). (2nd ed.). Zāhedān: Taftān. [In Persian]
- Afshar Sistani, Iraj. (1369/1980). "**Sistān-nāmeḥ**" (Sistan Nameh) (vol. 2). Tehran: Morq-e Āmin. [In Persian]
- Agheli, Bagher. (1380/2001). "**Šarḥ-e hāl-e rejāl-e siyāsi va nezāmi-ye mo'āser-e Irān**" (Biographies of contemporary Iranian political and military figures) (1st ed.). (vols. 1 & 2). Tehran: 'Elm, Goffār. [In Persian]
- Azimi, Fakhr al-Din. (1374/1995). "**Bohrān-e demokrāsi dar Irān: 1320 tā 1332**" (The crisis of democracy in Iran: 1941 to 1953 AD). Translated by Abdolreza Houshang Mahdavi & Bijan Nozari. Tehran: Našr-e Alborz. [In Persian]
- Chari, Naser. (1390/2011). "**Moqaddame-ee bar joqrāfiyā-ye tārixi-e šahr-e Zābol**" (Introduction to the historical geography of Zabol city). Mašhad: Tasnim-e Dāneš. [In Persian]
- Ebrahimi, Maryam. (1389/2010). "**Tahvvolāt-e siyāsi va eĵtemāee-ye Sistān va Balučeštān (1320-1332 SH)**" (Political and social developments of Sistan and Baluchistan) (1940-1950) (2nd ed.). Tehran: Boxārā. [In Persian]
- Ebrahimzadeh, Isa. (1389/2010). "**Sistān; Xāstgāh-e madaniyat va šaharnešini dar šarq-e Irān**" (Sistan: The origin of civilization and urbanization in the east of the country) (1st ed.). Tehran: Sāzmān-e Asnād va Ketābxāne-ye Melli-ye Irān



- (Sākmā) (National Library and Archives Organization of Iran). [In Persian]
- Ettehadieh, Mansoureh (1375/1996). “*Majles va entexābāt az mašruteh tā pāyān-e Qājāriyeh*” (Parliament and elections from the constitutional era to the end of Qajar) (1st ed.). Tehran: Tārix-e Irān. [In Persian]
- Hosseinpour, Parviz. (1373/1994). “*Nazari va gozari bar tārikh-e Sistān*” (A review and overview of the history of Sistan). Tehran: Saffār. [In Persian]
- Farrokh, Seyyed Mehdi (Mo’tasam Al-Saltaneh). (1347/1968). “*Xāterāt siyāsi-ye Farrox*” (Political memoirs of Farrokh) (1st ed.). Edited by Parviz Loshani. Tehran: Amir Kabir. [In Persian]
- Majid Fayyaz, Abdol Majid (1381/2002). “*Az Baq-e Qasr tā qasr-e ārezu-hā: Xāterāt-e siyāsi-ye yek ozv-e sāheb-e Hezb-e Tudeh va sāheb-emptiyāz-e Ruznāme-ye Hirmand-e Xorāsān*” (Political memoirs of a former member of the Tudeh Party and owner of the Hirmand Newspaper of Khorasan) (1st ed.). Tehran: Kavir. [In Persian]
- Makki, Hossein. (1370/1991). “*Ketāb-e siyāh: Sāl-hā-ye nehzat-e melli*” (Years of the national movement) (vol. 5). Tehran: ‘Elmi. [In Persian]
- Mohammadi Khamak, Javad. (1392/2013). “*Sistān va ruydād-e nuzadeh Bahman 1330 Xoršidi*” (Sistan and the incident of 19th of Bahman, 1330 SH / 9TH OF February, 1952 AD) (1st ed.). Tehran: Rošd-e Farhang. [In Persian]
- Mojtahedzadeh, Pirouz. (1378/1999). “*Amirān-e marzdār va marz-hā-ye xāvari-ye Irān*” (The Amirs of borderlands and eastern Iranian borders) (1st ed.). Translated by Hamidreza Malek Mohammadi Nouri. Tehran: Širāzeh. [In Persian]
- Morvarid, Younes. (1377/1998). “*Az mošruteh tā jomhuri: Negāhi be advār-e majles-e qanun-gozāri dar dorān-e mašrutiyat*. (From the constitutional to the republic: A look at the periods of legislative assemblies during the constitutional era) (1st ed.) (vol. 3). Tehran: Owhadi. [In Persian]
- Nazari, Manouchehr. (1388/2009). “*Rejāl-e pārlemāni-ye Irān: Az mašruteh tā enqelāb-e eslāmi*” (Iranian parliamentarians, from the constitutional to the Islamic revolution). Tehran: Farhang-e Mo’āser. [In Persian]
- Raes-al-Zakerin Dehbani, Gholam Ali. (1388/2009). “*Zād-sarvān-e sistān: Šarh-e*



- mansur-e ahvāl-e tavāyef-e Sistān*” (A prose description of the lives of the tribes of Sistan) (2nd ed.). Mašhad: Farhang-e Sistān. [In Persian]
- Raees Tusi, Reza. (1385/2006). *“Sarzamin-e suxteh: Diplomāsi-ye Britāniyā dar Sistān.* (The scorched land: British diplomacy in Sistan) (1st ed.). Tehran: Gām-e No. [In Persian]
- Shajiei, Zahra. (1383/2004). *“Noxbegān-e siyasi-e Irān az enqelāb-e mašruteh tā enqelāb-e eslāmi.* (Iran’s political elites from the constitutional revolution to the Islamic revolution) (2nd ed.) (vols. 3 & 4). Tehran: Soxan. [In Persian]
- Siyasar, Qasem. (1400/2021). *“Sistān va Balučeštan az mašruteh tā enqelāb-e eslāmi”* (Sistan and Baluchistan from the constitutional revolution to the Islamic revolution) (1st ed.). Tehran: Xazeh. [In Persian]
- Siyasar, Qasem. (1392/2013). *“Sistān va balučeštan dar ruzgār-e Pahlavi”* (Sistan and Baluchistan in the Pahlavi era) (A Collection of Sixteen Articles) (1st ed.). Tehran: Ābnus. [In Persian]
- Tafazzoli, Jahangir. (1376/1997). *“Xāterāt-e Jahāngir-e Tafazzoli”* (Memoirs of Jahangir Tafazzoli) (1st ed.). Edited by Yaghoub Tavakkoli. Tehran: Sure-ye Mehr. [In Persian]
- Tolouei, Mahmoud. (1383/2004). *“Čehre-ye vāqe-ee-ye ‘Alam”* (The true face of Alam) (2nd ed.). Tehran: Našr-e ‘Elm. [In Persian]
- Vahidnia, Seifollah. (1378/1999). *“Dar zir-e tiq: Majmu’e-ee az vaqāye’-e mohem-e tārixi-ye qorun-e moxtalef”* (Under the blade: A collection of important historical events from different centuries). Tehran: 1378. [In Persian]

Articles

- Ali Babaei Khameneh, Farzaneh. (1381/2002). “Entexābāt-e dowre-ye čahārdahom-e Majles-e Šorā-ye Melli (1321-1322 SH)” (Elections of the fourteenth term of the National Consultative Assembly (1321-1322 SH / 1942-1943 AD)). *Tārix-e Mo’āser-e Irān* (Institute for Iranian Contemporary Historical Studies) (IICHS), 6(21 & 22), pp. 405-491. [In Persian]
- Ale-Reza Amiri, Kazem. (1396/2017). “Asnādi darbāre-ye e’tebār-nāme-ye



- Mirzā Mansur Xān Mo'addel-od-dowleh (Šībāni)" (Documents about the credentials of Mirza Mansur Khan Moaddel al-Dowleh (Sheibani)). *Payām-e Bahārestān*, 10(112), pp.162-169. [In Persian]
- Ebrahimi, Maryam. (1394/2015). "Qale-ye Se-kuhe [Seh kuh] Sistān va naqš-e tārixi-ye ān dar vaqāyē'-e šarq-e Irān dar dore-ye Qājāriyeh" (Sekoohe Castle of Sistan and its historical role in the events of eastern Iran during the Qajar period). *Fasl-nāme-ye Pažuheš-nāme-ye tārix* (Quarterly Journal of History Research), 10(39), pp.1-23. [In Persian]
- Naebian, Jalil; Sheikh Nouri, Mohammad Amir; & Piri, Mohammad. (1388/2009). "Hokkām-e Sistān az taškil-e selsele-ye Qājār tā Taslim-e 'Ali Xān-e Sarābandi" (Sistan's governors from the establishment of the Qajar dynasty till the obedience of Alikhan Sarabandi from Iran's central government). *Pažuheš-hā-ye Tārixi* (Historical Researches), New Volume, Issue 2, pp. 19-34. [In Persian]
- Najafi, Fatemeh; & Najafi, Farhad. (1392/2013). "Pāyghāh-e tabaqāti va 'amal-kard-e namāyandegān-e Bandr Abbās dar Mājes-e Šorā-ye Melli" (Class base and performance of Bandar Abbas representatives in the 14th and 15th parliaments of the National Consultative Assembly). *Asnād-e Bahārestān*, New Volume, Issue 1, pp. 117-147. [In Persian]
- Oveisi, Abbas. (1399/2021). "Movājehe-ye motenaffežān-e mahalli va hokumat-e Pahlavi (1320-1332 SH)" (Sistan; The encountering field of local influencers and Pahlavi regime (1320-1332 SH / 1941-1953 AD)). *Ganjine-e Asnād*, 30(4), pp. 56-82. [In Persian]
- Oveisi, Abbas; & Ali Soufi, Alireza. (1391/2012). "Tāhavvolāt-e zamin-dāri va mālekiyat dar dore-ye Pahlavi" (Changes of land ownership in Sistan province during Pahlavi I). *Do-Fasl-nāme-ye Pažuheš-nāme-ye Tārix-hā-ye Mahalli-ye Irān* (Research Journal of Iran Local Histories), 1(1), pp. 86-105. [In Persian]

Thesis

- Oveisi, Abbas. (1392/2013). "*Zamin-dāri va tāhavvolāt-e mālekiyat-e mantaqe-ye Sistān dar dore-ye Pahlavi*" (Land tenure and changes in ownership of the Sistan region during the Pahlavi period). Doctoral thesis on the history of Iran after Islam. Supplementary studies at Payam Noor University, Tehran. Social Sciences Department.



ردیف	نام نماینده	تاریخ تولد و وفات (شمسی)	دوره نماینده‌گی از سیستان	تعداد آراء	پایگاه اجتماعی	سایر مشاغل
۱	میرزا منصورخان شیبلی (معدل الدوله)	۱۲۴۷-نامعلوم	۲ ^۱	۴۷۵	کارمند	مأمور ممیزی خراسان؛ رئیس مالیه آذربایجان
۲	میرزا سعیدخان کشی	۱۲۴۳-نامعلوم	۳	۴۷۵	مستوفی	نم‌شخص
۳	محمودولی‌خان اسدی (مصباح‌دیوان)	۱۲۵۷-۱۳۱۴	۴: ۵: ۶:	۱۸۳۰؛ ۳۵۵۸؛ ۳۷۶۵	کارمند	پیش‌کار شوکت‌الملک علم تولیت آستان قدس رضوی
۴	سلمان‌خان اسدی	۱۲۸۳-۱۳۴۵	۷: ۸: ۹:	۶۲۹۷؛ ۹۰۸۲؛ ۷۶۳۳	کارمند	نماینده دوره ۱۵ مشهد سناتور دوره چهارم مشهد
۵	علی‌اکبر اسدی	۱۲۸۴-۱۳۵۱	۱۰ (۷ ماه)	۸۹۵۹	کارمند	فرماندار بیرجند، مشهد، یزد
۶	عیسی‌مشار (قائم‌مقام رضوی)	۱۲۸۵-نامعلوم	۱۰: ۱۱: ۱۲: ۱۳:	۶۴۳۳؛ ۵۵۲۸؛ ۵۸۶۱؛ ؟	ملاک و کارمند	کارمند آستان قدس؛ نماینده دوره ۱۹ از مشهد

۱. در مجلس اول باتوجه به اینکه هنوز نظام‌نامه انتخابات درست شکل نگرفته بود و بیم مرگ شاه هم وجود داشت، مشروطه‌طلبان فقط به سرعت قصد داشتند مجلس را برپا کنند؛ از این رو عیوب ساختاری به آن وارد بود؛ از جمله اینکه تعداد نمایندگان به تناسب جمعیتی هم‌خوانی نداشت و از طرفی برای بسیاری از مناطق کشور از جمله جنوب شرق کشور سهمیه نمایندگی قرار داده نشده بود؛ مواردی که سعی شد در نظام‌نامه مجلس دوم اصلاح شود.

۲. علی‌اکبر اسدی بعد از هفت ماه حضور در مجلس دهم، به دلیل دستگیری پدرش در ماجرای گوهرشاد و بدبینی رضاشاه به کل این خانواده مجبور شد استعفا کند.

پیوست ۱

جدول مشخصات نمایندگان سیستان در
مجلس شورای ملی (۱۲۸۵-۱۳۵۷ ش)



ردیف	نام نماینده	تاریخ تولد و وفات (شمسی)	دوره نماینده از سیستن	تعداد آراء	پایگاه اجتماعی	سایر مشاغل
۷	مهدی فرخ (معتصم السلطنه)	۱۳۵۲-۱۲۶۵	۱۴	۱۰۰۸۰	ملک و کارمند	نماینده دوره سوم تربت حیدریه؛ وزیر صناعت و وزیر خواروبار؛ استاندار فارس، کرمان؛ سناتور دوره دوم مشهد و پنجم تهران
۸	عبدالله وثوق (معتد السلطنه)	۱۳۳۱-۱۲۶۳	۱۵	۱۴۱۱۸	ملک و کارمند	کارمند وزارت مالیه؛ نماینده ادوار چهارم تا ششم درگز
۹	امیرحسین خزیمه علم	۱۳۸۱-۱۲۹۲	۱۶	۶۸۶۳	ملک و کارمند	کارمند وزارت کشاورزی؛ نماینده ادوار ۱۸ تا ۲۰ از بیرجند
۱۰	جهانگیرخان تفضلی	۱۳۶۹-۱۲۹۳	۱۸'	۵۰۵۱	کارمند	روزنامه نگار؛ مدیر دانشجوین خارج
۱۱	ابراهیم پردلی (نماینده بومی)	۱۳۸۷-۱۲۹۶	۱۹: ۲۰: ۲۲: ۲۴	۸۷۹۱: ۹۶۴۰: ۱۳۴۱۶: ۱۶۷۱۳	ملک	زمین دار
۱۲	محمدحسین نارویی (نماینده بومی)	۱۳۵۹-۱۳۰۲	۲۱	۱۵۰۸۵	ملک	زمین دار
۱۳	اسماعیل خزیمه	۱۲۹۲-نامعلوم	۲۳ ^۲	۲۵۲۸۲	کارمند	شهردار بیرجند؛ فرماندار زابل
۱۴	محمدحسین رهبر	۱۳۰۲-نامعلوم	۲۳: ۲۴	۲۵۴۸۱: ۱۳۳۴۹	کارمند	رئیس اداره کشاورزی زابل، بیرجند؛ رئیس دبیرخانه امور دربار

۱. به دلیل اعتراض شدید مردم به روند انتخابات دوره هفدهم سیستان و وقوع حادثه ۱۹ بهمن ۱۳۳۰، وزارت کشور انتخابات این دوره سیستان را باطل کرد و به این ترتیب سیستان در این دوره در مجلس شورای ملی نماینده نداشت.

۲. هم زمان با قانون افزایش تعداد نمایندگان در مجلس مصوب شد که نمایندگان سیستان در دوره بیست و سوم مجلس شورای ملی از یک نفر به دو نفر افزایش پیدا کند.

ادامه پیوست ۱

جدول مشخصات نمایندگان سیستان در مجلس شورای ملی (۱۲۸۵-۱۳۵۷ ش)



صورت مجلس انتخابات ازجمن نظارت

انجمن نظارت انتخابات حوره و مرکب از انجمن مفصله الاسامی اتابیان که بموجب ماده دهم قانون انتخابات از طرف حکمران با (نایب الملک محمد) معین شد و در روز ۱۳۲۲ اعلان انتخابات باطلوبیکه در قانون انتخابات موضوع تاریخ ۲۸ شوال المکرّم ۱۳۲۲ و در دستور العمل دولتی مطرح است منتشر نمود و بحسب ضرورت در نقاط و شعبه از انجمن مرکب از اتابیان بتصویب حکمران تشکیل دادند و تا دوز ۱۳۲۲ برای انجمن های شعب تعیین مهلت کردند و از روز تا روز موافق مدلول اعلان در ساعات ۱۲ تا ۱۴ در محل شعبه قرقه انتخاب با شما میسر که دارای شرایط انتخاب کردن بودند دادند و من انضا میسر که قرقه انتخاب گرفتن عمل بوده و از روز تا روز در محل شعبه برای اخذ رای انتخاب کتبی کان حاضر شدند من از انضا من دارنده قرقه انتخاب امه برای انتخاب نفر نماینده انتخاب فریدی (یا جمعی) برای خود را دادند اسامی انضا میسر که در باره ایشان رای داده شده بود با عمل او اینکه در باره ایشان داده شده از این قرار است

اسامی انضا من	عدد آراء متعلقه	عدد تاریخ	صورت مجلس انتخابات شعبه	شعبه	دلیل
۱. ...	۳۷۵	۱۳۲۲	نتیجه انتخابات انا از این قرار بود	عده رای	
۲. ...	۲۴				
۳. ...	۲۳				
۴. ...	۲۳				
۵. ...	۵				
۶. ...	۲۶				
۷. ...	۹۱				
۸. ...	۲۶				
۹. ...	۲۶				

و چون تاکنون که موعده انقضای مهلت شعبه بود صورت مجلس انتخابات شعبه مزبور رسید از انتخابات آن محل صرف نظر شد و نتیجه انتخابات شعبه با شعبه را با هم ترکیب کردیم اتابیان اکثریت نسبی (یا تمامه) ۳۷۵ رای از ۴۳۱ نفر رای دهندگان موافق قانون انتخابات جایز کی ملت برای مجلس شورای ملی منتخب شد (یا اینکه) چون مابین اتابیان بعد منساویه رای داده شده بود اتابیان بحکم قرقه بنامیند کی ملت برای مجلس شورای ملی معین گردید (یا اینکه) چون اتابیان که بحکم اکثریت نسبت نمایندگی ملت را در پایتیه بود قبل از آنکه اعتبار نامه بگیرد از این سمت استعفا داد (یا نوبت کرد) اتابیان که بعد از آنرا بعد از منتخبین حاضر اکثریت بود بنامیند کی ملت برای مجلس شورای ملی معین گردید شکایات واصله نسبت به انتخابات مزبور فقرات بود و انجمن نظارت در روز به شکایات مزبور رسید کی کرده نظریات ایشان در این موضوع از این قرار است (یا اینکه) شکایاتی نسبت به انتخابات مزبور با انجمن نظارت رسید

بعد از موعده بگفته رسید بود بمرکز ارسال شد در تاریخ ۱۳۲۲ انجمن نظارت انتخابات پس از آنکه و طایف مرقومه را موافق قانون ۲۸ شوال سنه ۱۳۲۲ با انضمام رسانیدن منحل گردید امضای منشی انجمن

امضای منشی انجمن

پیوست ۲

صورت جلسه انجمن انتخابات سیستان مربوط به انتخابات دوره دوم مجلس شورای ملی از اسناد آستان قدس (ساقماق) به شماره ۱/۷۷۷



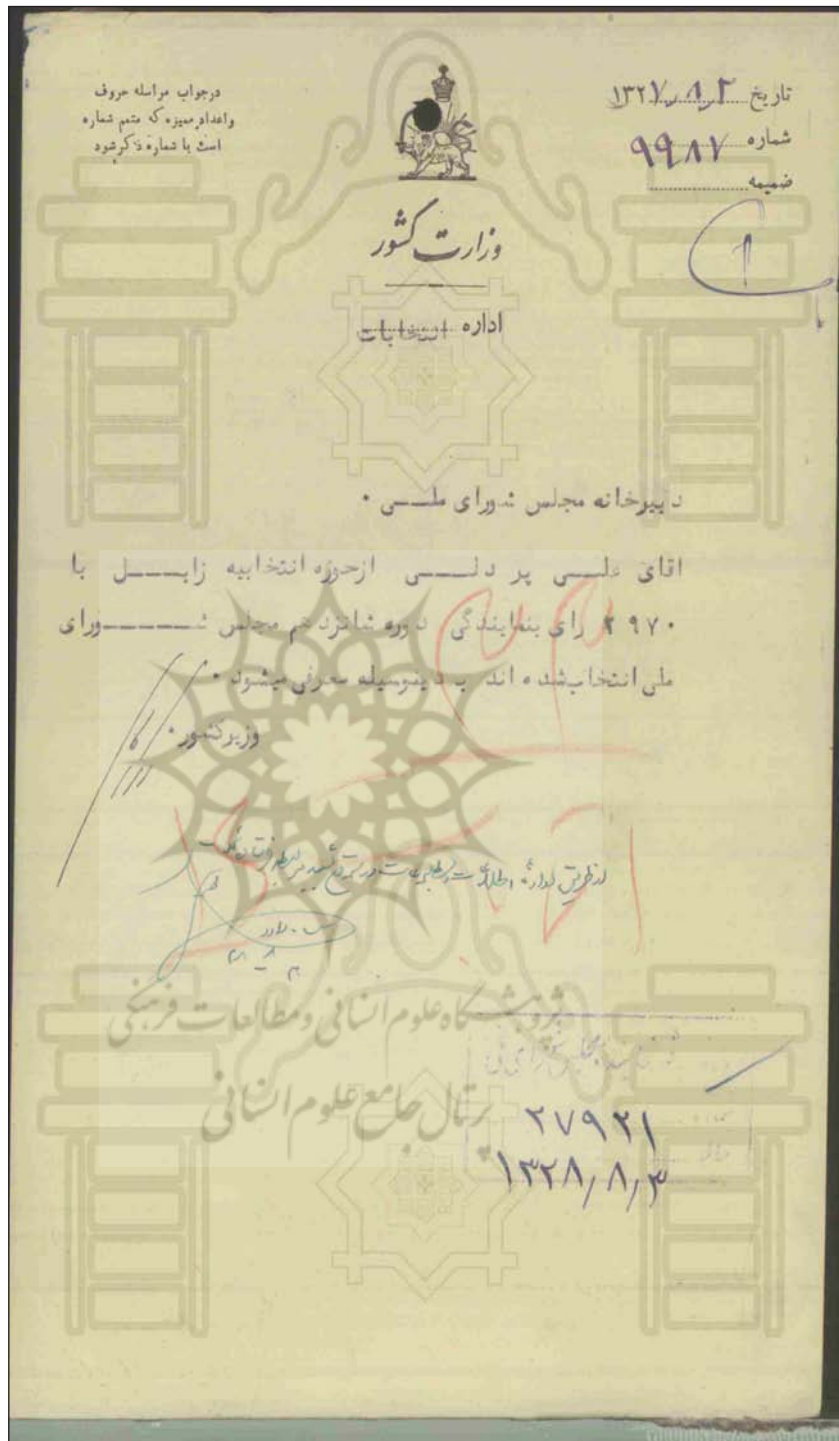
۱۳۰۳
مقام مقلد سارا شورای ملی شریف الله اسکانه
در روز دوشنبه ۱۳۰۳
۱۳۰۳
۱۳۰۳

که چه ما و عیای دولت مشاهده می کردیم که عجم ملت ایران در ذاهیت و آسایش واقع شده
بآزادی زندگانی مینمایند حقوق خود پی نبرده ایم ولی پیشینیم که اعلیضت اقدس
بجمع ملت ایران آزادی عطا فرموده اند خیلی باعث تعجب است که با وجود این حکم و آنچه
مکاتبات که با جرائد و غیره از غلیات آقای اسدی زاده نموده ایم بگوش آقایان امانت
دولت نمودیم سر رسمی ننویسند ماسند گویا تصدیق میور کسی نیست که صدای ناله مان را
بر پیشگاه اعلیضت عرضه بداد که اسدی زاده وکیل تجلی و ابداً لیکنف سلیستانی
از ترقیب مایل و کالتش نیست و کاملاً بواسطه رفتارش منفردهوم واقع گشته
عامه و انبیا نجر و متغیر کرده است شش هفتادری بزرگول و فشار مستجاب
بدست آورده اند سلیستانی حاضر بر ای هیکل اقدامی نموده و نسبت وکیل ما
مشت فکرتوه ماید کسی ماسند که از روز و ثانی آگاه و بعد از آن چاره اشرهیت
در صد و رفع آن بر آید آقای اسدی زاده که در ای صفر سن و قابل و کالت
نیست کجا بقواند توجه عامه را بجز و جلب و یکی از بلا یا نشان و الم کند و کسی
که خوش در چند و وزه اقامت خود اغلب و انتقیر ساحتیه مطابق عادت و سینه
است آنها مکان ازیت و ساند و از خود رمانده است کما صلاحتیت و کالت هیکل سلیستانی
را در آقای اسدی زاده اعتبار با چنین نظایر نموده همه و وزه در انجمن ها
و ما مورین و هات و مطابق میل خود تعیین نموده بدین تصدیق یا اجافه انجمن
مواند هات و قضای نیلاید و دستورات لاؤند و انقبش انتخابات واره و منقبش
تذکره ایالتی و دو ماه دو بوجید در منزل اسدی زاده متوقف سلس با خورش
عالم سلیستان و در اینجا عده و تحت قسم و صلح قرار داده بالا صفر قولی که واره
بدر انجام داده زمان یک بلتی و ابد سلیستانی هیکل سلیستانی خلاف قانون سلس را زین
مکن نیست که در و مطابق کسب چند نفر گشت که واگشتند از سلسه هیکل سلیستانی
تصرف برون آورده با وجود هیکل سلیستانی مکتوبی عرضه ماند در صورتیکه خود گشتند

پیوست ۳

اعراض اهالی سیستان به انتخاب
سلمان خان اسدی از اسناد کتابخانه و
موزه مجلس (کمام) به شماره بازایی:
۱۰۲۱۰۷۰۲۸۰۵۲-۱/۶





پیوست ۴

معرفی نامه علی خان پردلی اولین
نماینده بومی سیستان به مجلس شورای
ملی از اسناد کتابخانه و موزه مجلس
(کدام) به شماره بایابی: ۱۰۱۳-۱-۳۳-
۱۶۷-۱۶-۱۰۲۱



شماره ۱۱۰۶ ۲۱۸ ۹۲

پیشکش ہمہ رک بندگان اعلیٰ حضرت ہما یونشا منشا ہا ریا مہرا روا خانہ خدا ہ
با کمال توقیر و احترام بہ پیشکش ہمہ رک ہما یونشا منشا ہا ریا مہرا روا خانہ خدا ہ
ہا اینکہ رویتنا نہ میرند اب کا فیوزیا دنیا رد معینا بواسطہ ہر ہون
رودت نا سیست نا بکل ولان مدنودا را بی سیست نا اب ہرا یژا غت ندا رند
در صورتیکہ اگر رودت نا سیست نہ ہرا یژا غت نا بروی کردد خدا قل تا ہیست
سا ل دیگر تا ما را بی سیست نکا ملا تحت کشت درامدہ وژرا غت خوا مد

شد و اینلا بروی ہوردتا کید و تمدیتوژا رتدر وہم عیبا شدمنتھا میگویند
ہودجہ و پولندا ریم
شا ہنشا ہا چنا نچہا مرہیا رک ہما یونشا شرف مدور یا بدکہ بہ یکیا ژر سہ طریق ژہر رودت نا نہ
سیست نا بروی کردد سیست نا اژا ہن ہا بی نجات عیبا بد کہ خدا قل تا ہیست سال
دیگر بطور عا دی اژا ب رودت نا نہ ہیرمند استفا دہ خوا مد شد
۱ / بدولت امر کردد رودت نا نہ سیست نا با وسا یل و امکانات امر و نا بروی نما بد
۲ / پولی کہ بہ عیبا نہ شدیہ محصلین در سیست نا بہ مصرف میرسد در نا بروی رودت نا نہ
سیست نامصرف کردد کہ ہمہا قرار دتا نوادہ ہا سیست نا اژا ہن نعمت و مرا حم
عا لہ ہا ہنشا ہ ہجرہ مند گردند
آچرن مردم سیست نا استفا غت ما لنی ندا رند امر کردد دولت رودت نا نہ سیست نا را نا بروی
نما بد و سیست نا نہا ہژیشہا نرا بعدا نا بروی بہ اقساط طویل المدت بہ دولت
بپردا ژند جا نتا را ہرا ہم پردلی
نما ہندہ مجلس ہمورا یعلی

پروہ سگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
تا جامع علوم انسانی

شرکت خابرات
۱۳۲۶/۹/۲۳
موسسہ ابدال کی تہران

۶۴۲-۱

پیوست ۵

نامہ ابراہیم خان پردلی بہ محمد رضا شاہ
برگرفته از اسناد کتاب خانہ ملی (ساکما):
۳۷۰۰۰۲۷۷۶



۲۵۸۱
۲۲/۷/۵
وزارت محترم ورزش
موضوع: میزبانی این جانب مجریین راهبر نایب التحصیل دانشگاه گت ورزشی
چندی قبل تقاضای کار در زمان وزارت چنان کردم بنده را راهنمایی کردند که در زابل
پست خالی است و باید تقاضای عنوان پست زابل بنویسم در صورتیکه خودم
اصلاً نظر خاصی به زابل نداشته و زابل هم نمی‌توانم که عهده داشته باشم
فعلاً حکم بنده را برای زابل صادر و فرج سوز و فوج الهامه بنده است
اگر در جای دیگری پست خالی موجود است بنده را به آنجا بفرستند زیرا با این
گزارش زندگی نمی‌توانم خودم را زنده نگه‌دارم
پیشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
آیتالله جامع علوم اسلامی

پیوست ۶

درخواست محمدحسین رهبر برای
انتقال از زابل
از اسناد کتابخانه ملی (ساکما):
۲۳۰۰۰۵۵۷۲/۴۸۲

